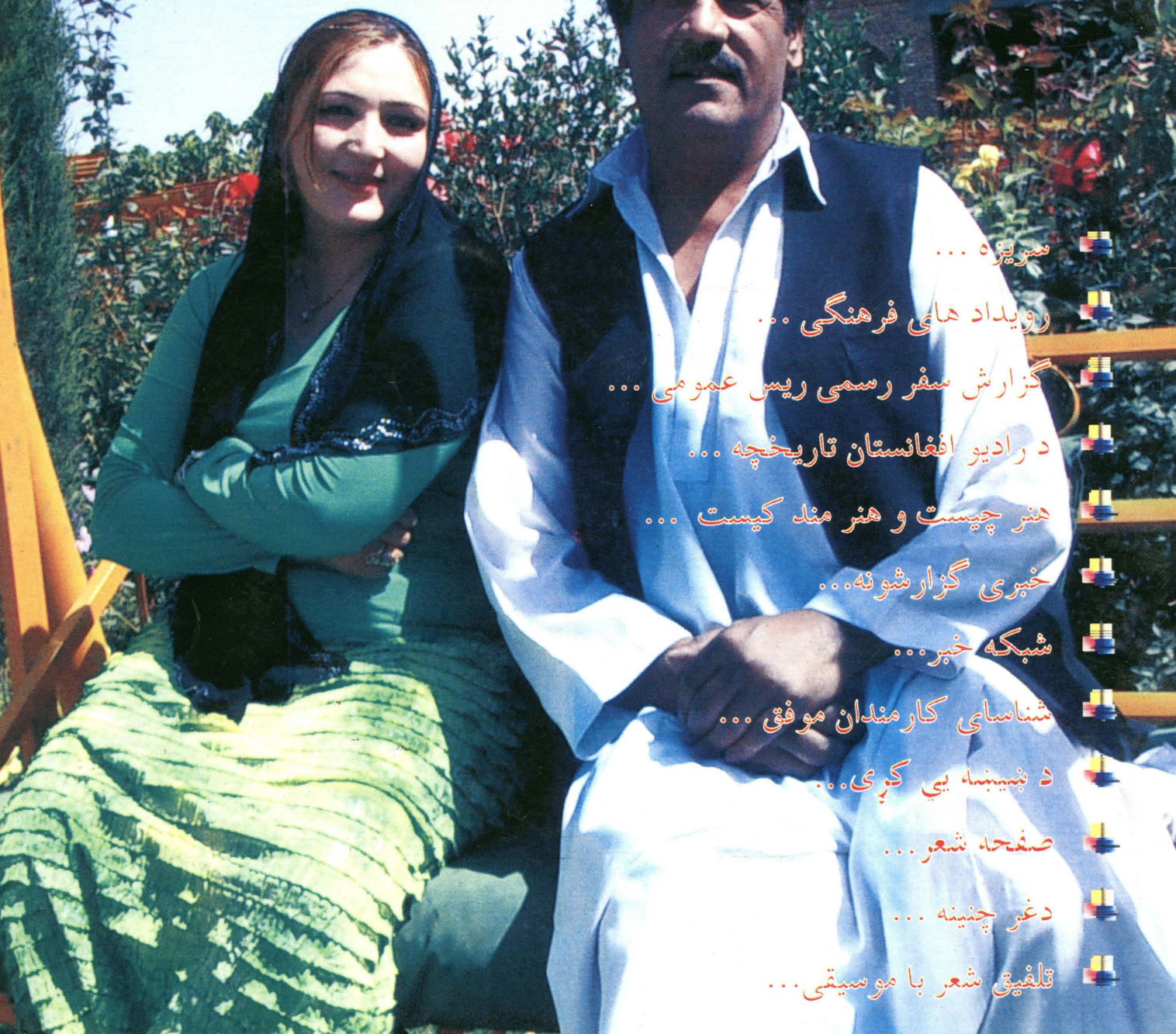


آواز



نشریه رادیو تلویزیون ملی افغانستان
شماره چهارم سال ۱۳۸۹



سرپزه ...

رویداد های فرهنگی ...

گزارش سفر رسمی ریس عمومی ...

د رادیو افغانستان تاریخچه ...

هنر چیست و هنر مند کیست ...

خبری گزارشونه ...

شبکه خبر ...

شناسای کارمندان موفق ...

د بنیبنه بی کپی ...

صفحه شعر ...

دغر چیننه ...

تلفیق شعر با موسیقی ...



محترم سید مخدوم رہین وزیر اطلاعات و فرهنگ حین ایراد بیانیہ افتتاحیہ جشنوارہ ہنر در باغ بابر (قصر ملکہ)

د افغانستان اسلامي جمهوریت

د اطلاعات او فرهنگ وزارت

جشنواره هنر

میزان ۱۳۸۹





در بر گهای این شماره

- ◆ سریزه ...
- ◆ رویداد های فرهنگی ...
- ◆ گزارش سفر رسمی ریس عمومی ...
- ◆ د رادیو افغانستان تاریخچه ...
- ◆ هنر چیست و هنر مند کیست ...
- ◆ خبری گزارشونه...
- ◆ شبکه خبر...
- ◆ شناسای کارمندان موفق ...
- ◆ د بنیینه یی کپی...
- ◆ صفحه شعر...
- ◆ دغر چینه ...
- ◆ تلفیق شعر با موسیقی...
- ◆ لنده داستان ...
- ◆ انیمیشن تلویزیونی ...
- ◆ البروم هنری
- ◆ پلان نشراتی TV

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صاحب امتیاز : رادیو تلویزیون ملی افغانستان

مدیرمسوول : لمیه احمدزی

مسوول چاپ : بشیر احمد حکیمی

۰۷۷۵۹۵۸۷۷۳

گرافیک و دیزاین : عبدالولید حمیدی

کمپیوتر : فاطمه هاشمی

نشانی : وزیر محمد اکبر خان سرک ۱۳

ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی

تلفون : ۲۱۰۳۱۶۴

تیراژ : ۷۰۰

ایمیل ادرس : Awazrta@yahoo.com

آواز در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است.

شرح پستی : غفار ظلام و ترینا ممثلین RTA

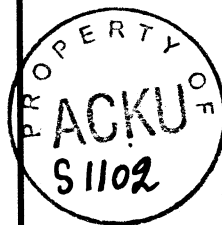
ابراز پوزش :

از اینکه عکس های مضمون « درادیو تاریخچه » از

سالهای قبل بوده و از کیفیت خوب برخوردار نمی

باشد. امید معذرت ما را پذیرا شوید.

چاپ : مطبعه آزادی



د آوازيادبنت :

هنر - دښايستونو ځلا

هنردمينې ، دښايست ، دنازولي طبيعت ، دانسان دذهن اولاس دپياورتيا دښايستونو مجموعه ده . هنر ښکلی دی ، ښکلا خپله هنر دی !

په گران افغانستان کې دپېړيو په اوږدوکې دپېلابېلو هنرونو د ودې لپاره هلې ځلې شوې دي . دادب په ډگرونوکې ، دخطاطۍ او نقاشۍ په لړکې ، دموسيقۍ او تنگ ټکور په زير اويم کې اوپه نورو برخوکې ددې وطن د وياړلو هنرمندانو ، ليکوالو او شاعرانو خدمتونه دپېرولو نه دي . په دې توگه دافغانستان دهنر د ډگر اتلانو دنړۍ دهنري ميراثونو په شتمنۍ اوځلاکې خپله ونډه لرلې ده .

ددې خبرې ثبوتونه په ټولو هغو هنري آثاروکې شته دي چې يا د افغانستان اونړۍ په موزيمونو او ارشيفونوکې خوندي دي ، يادنړۍ د کتابتونونو ښايست جوړوي اويا دموسيقۍ دتاريخي مطالعې په لړکې خپل ځان راڅرگندوي .

په افغانستان کې داوږدوکلونو جنگ جگړو اوناخالو دوام ، له بده مرغه زموږ دهنر ودې ته له يوې خوا او دهنر دتاريخي پرتم ځلونې ته له بلې خوا تاوانونه وراړولي دي . په دغو کلونوکې يوشمېر مهم تاريخي آثار له منځه تللي يا له هيواده وتلي دي . پياوړي هنرمندان موهم يوشمېرې په تأسف سره وژل شوي ، له هيواده تللي ، له نويو بدمرغيو اوستونزو سره لاس او گريوان شوي دي اويا يې ددغو ناخالو په سلسله کې قلمونه او دهنرنوروسايل له لاسه غورځېدلي دي .

په څو وروستيو کلونوکې چې افغانانو په هنري برخوکې هم دپيارغونې لپاره هڅې پيل کړي دي ، دهنردبياځلونې لپاره يې مټې رانغاړلي دي ، يوشمېر مهمي برياوې يې په برخه شوې دي . په افغانستان کې دهنرکلني جشنونه ددې خبرې دثبوت يوه ښه بېلگه ده . دلته دپېلابېلو هنرونو دښايست نندارې وړاندې کيږي اوموږ ترې معلومولای شو چې په افغانستان کې ددغو هنرونو په کوموکومو برخوکې څومره پرمختگ شوی اوڅومره نوې ښکلاوې راپيدا شوې دي .

دسينما په لړکې ، دموسيقې په برخه کې ، دراديوټلويزيون دهنري ادبي خپرونو په لړکې يوشمېر پرمختگونه دستاينې وړدي . سره له دې چې اوس لاهم په دغو برخوکې ځينې نيمگړتياوې شته دي او هغومره چې زموږ ولس دغو هڅو ته تېری دی ، دومره برياليتوبونه لانه لرو ، خو بياهم دغه لومړنۍ اوله صميميت څخه ډکې هڅې ددې زيری راکوي چې هيله ده زموږ دوطن ټول هنرونه وده وکړي ، پياوړي اوښکلی شي اودښايستونو ځلايې يوځل بياهم په افغانستان کې خپره شي اوهم دافغاني هنر دپه زړه پورې نمونوپه توگه نړيوالو ته وځليږي .

دهمداسې وخت په هيله

رهبران هنرهای فرهنگی

جشنواره هنر

خطاطی میناتور و عکاسی هنرمندان افغان همراه بود. علاوه از هنرمندان جوان، چهره های شناخته شده و پیش کسوتان هنر چون استاد مهوش، احمد ولید، آرمان، استاد هم آهنگ، قادر فرخ، صفدر توکلی، استاد گلزمان و دیگران نیز از افغانستان و چهار گوشه جهان درین جشنواره بنا به دعوت وزارت اطلاعات و فرهنگ حضور بهم رسانده بودند. درین جشنواره چهل هنرمند به عنوان بهترین های هنر هفت گانه، جایزه دریافت کردند. این هنرمندان پس از بررسی آثار شان از سوی هیئت مدیره انتخاب شدند و تقدیرنامه و جایزه به دست آوردند. علاوه بر این برای پیش کسوتان و چهره های شناخته شده هنر چون استاد هم آهنگ، استاد گلزمان، استاد آرمان و دوکتور سرمست، استاد غلام حسین رباب نواز، صبا سحر، گلی مکی شاه و یاسمین یارمل هنر پیشه های سینما و تیاتر نیز جوایز و تقدیرنامه ها توسط دوکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ داده شد. جشنواره هنر همه ساله به هدف گرامی داشت از مقام هنر و هنرمند از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ راه اندازی می شود.



این جشنواره در قصر تاریخی ملکه در باغ بابر شاه با حضور داشت مقامات دولتی، مهمانان خارجی و هنرمندان رشته های مختلف هنر راه اندازی گردید. جشنواره با نمایش فلم، تیاتر، اجرای پارچه های موسیقی، سخنرانی ها و نمایش آثار نقاشی، رسامی،

همکاری مجدد دویچه ویله

رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی محترم محمد زرین انخوری سفریکه به کشور آلمان داشت، به ملاقات های کاری و مسلکی پرداخت که از آن جمله با هنیت رسمی اکادمی دویچه ویله، رئیس بخش آسیای مرکز و جنوب آسیای اکادمی دویچه ویله آقای کارستن فون نامن مسوول بخش افغانستان اکادمی دویچه ویله آقای فلوریان و آقای محب سپین گردیدن نمود.

در این ملاقات بر علاوه موضوعات مورد علاقه طرفین در مورد احیای روابط مجدد رادیو تلویزیون ملی افغانستان و دویچه ویله روی همکاری های دو جانبه بحث و تبادل نظر صورت گرفت. آقای انخوری ضمن بحث پیرامون موضوعات مطرح شده ضرورت عاجل و مبرم آموزش کارمندان R.T.A را طرح نمود، که به دلچسپی خاصی از سوی اکادمی دویچه ویله مورد تأیید قرار گرفت و در زمینه همکاری های لازمه شانرا ابراز داشتند. هم چنان وعده سپرده شد تا در طرح پلان سال ۲۰۱۱ دویچه ویله، رادیو تلویزیون ملی به عنوان شریک در پروژه های آموزشی دویچه ویله اساساً مطرح خواهد شد.



اولاد هان نامنگ



امانی از جمله آوازخوانان با استعداد افغانستان است که آواز گیرایش زیبایی، ظرافت خاصی داشته و آهنگ هایش زیبا و روح نواز بود.

امانی را این سرودش: «تو غرور مرا بشکستی، یکی نامه برابم نوشتی، با رقیبم مگر دلبستی» به شهرت رساند.

امانی علاقمندان زیادی نسبت به هنرش داشت و واقعا "زمانی «امانی» را بلبل کابل نام گذاشتند اما اکنون امانی...؟!!

امانی در کوچه خرابات در کلبه ویرانه بی بی نوایی حیات بسر میبرد، وقتی جریان زندگی و بینوایی اش را از عبدالله پسرش میپرسم خودش که در کنار ما رو در رو نشسته است به سوی هر دوی ما با یأس و ناامیدی خیره نگاه میکند، اما توان حرف زدن ندارد، چون او (۹) سال قبل در دیار هجرت به فلج مصاب شده اشتیاق او به حرف زدن احساس و عاطفه انسان را تا آنجاها بر می انگیزد که فریاد زند و بگوید خداوندا این مریض بی نوایت را شفا بده.

عبدالله پسر امان الله «امانی» میگوید: در زمان طالبان که کابل اشغال شد ما به شهر پیشاور پاکستان مهاجر شدیم چون پدرم «امانی» در عین حال که هنر آوازخوانی داشت در ورزش پهلوانی نیز سهم فعال میگرفت. یکی از روزها هنگام تمرین دادن شاگردان به این مرض مصاب شد زیرا پدرم دارای فشار بلندی بود و آن باعث شد تا به مرض فلج مصاب شود.

عبدالله گفت: «پس از چند سال مهاجرت با تغییر رژیم طالبان ما دوباره به وطن برگشتیم، چون تداوی پدرم در پاکستان نتایج مطلوب در قبال نداشت در صدد آن شدیم تا پدرم را به یکی از کشورها غرض تداوی بفرستیم که بعد از تلاش های فراوان موفق شدیم تا پدرم را به کشور هندوستان غرض تداوی بفرستیم و حدود

سه ماه تحت تداوی قرار گرفت، متأسفانه انطوریکه لازم بود تداوی نشد صرف همینقدر که دهنتش در آغاز کج شده بود بهبود یافت.

آقای عبدالله اضافه کرد: «پدرم امانی بهبودی کامل نیافته است زیرا حرف زده نمیتواند

آقای امانی دو خانم دارد که ثمره اش هفت پسر و پنج دختر میباشد در حال حاضر مخارج آقای امانی را بعضی از دوستان هنرمندش تأمین میکنند.

فلم افغانی «لاله سیاه» «Black Tulip» نامزد جایزه بین المللی اسکار شد.

گل و سونیا ناصری، نقش مرکزی را در این فلم بازی کرده‌اند. انجنیر لطیف، رییس افغان فلم، می‌گوید: خانم سونیا در این فلم کوشیده است تا شرایط جنگ در افغانستان را با همه مشکلات اجتماعی و اقتصادی آن به تصویر بکشد. داستان این فلم نیز توسط سونیا ناصری نوشته است. این فلم دو ساعته، در کابل و اطراف آن تصویربرداری شده است. به گفته انجنیر لطیف، لاله سیاه، سومین فلم افغانی است که نامزد جایزه معتبر بین‌المللی اسکار می‌شود. پیش از این فلم‌های افغانی «اسامه»، «جنگ تریاک» و «بچه کابلی»؛ به این جشنواره از سوی هشتادوسومین مراسم اعطای جوایز اسکار در روز ۲۷ فبروری ۲۰۱۱ (هشتم حوت) در لس‌آنجلس برگزار خواهد شد که نامزدهای نهایی بهترین فلم غیرانگلیسی به همراه کاندیداهای دیگر بخش‌های جوایز اسکار روز ۲۵ جنوری معرفی خواهند شد.



به گزارش باختر، این فلم داستانی از ساخته‌های سونیا ناصری، فلمساز جوان افغان است.

فلم لاله سیاه، نمایانگر مشکلات زندگی اجتماعی و اقتصادی افغان‌ها هنگام جنگ در افغانستان است. حاجی

آویداد های فرهنگی

سنگ تهادب موزیم موسیقی در خرابات گذاشته شد. این موزیم که در زمین خانه مخروبه استاد محمد قاسم افغان، پیر خرابات اخیراً از سوی ورثه آن مرحومی به شاروالی کابل اهدا گردیده بود به همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ و بالخصوص وزیر فرهنگ دوست به يك موزیم و محل آموزش موسیقی افغانستان تبدیل میشود. وحید قاسمی هنرمند محبوب و شناخته شده کشور گفت، من امیدوارم که این موزیم به آموزشگاه همه هنرمندان افغانستان تبدیل گردد تا هنرمندان سراسر کشور بتوانند در این آموزشگاه هنر آواز خوانی و نواختن انواع آله های موسیقی را بیاموزند.

اندوخته را با خود داشت و زمانی هم به صفت استاد رسامی اموخته ها و اندوخته های خود را با آموزندگان نو جوان سخاوت مندانه تسمت کرد هنر مل در عرصه دیکوریشن از نیاتر کابل وقت کارش را آغاز نموده بعد ها با فعال شدن تلویزیون ملی افغانستان در سال ۱۳۵۶ خورشیدی به حیث مسول گرافیک و دیکور تلویزیون شانزده سال تمام اجرائی و وظیفه نموده که هر حرکت تزینی او موجب تنوع و جلب توجه بینندگان تلویزیون گردیده است.

او در کنار نقاشی و تزین گری به موسیقی هم دسترسی داشت آهنگهای در آرشیف رادیو افغانستان از وی موجود است. نبی هنر مل با مجلات ژوندون، میرمن، دکمکیانو انیس، آواز، پشتون ژغ وقت در زمینه پشتی دیزاین صفحات نقاشی برای داستانهای مصور و عناوین هنری همکاری نموده است زمانی در فلم رابعه بلخی دو نقش را اجرا کرده.

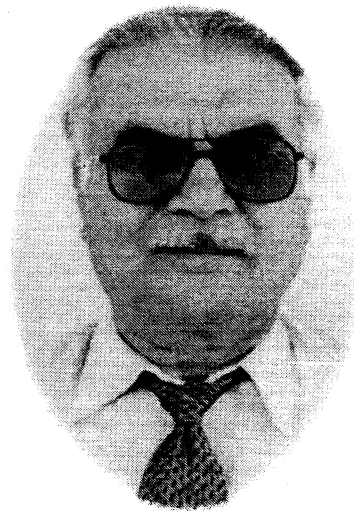
بعد از آغاز درگیری های داخلی کابل مجبور به ترک خانه و کاشانه اش شد مدت ۹ سال در کشور پاکستان به صفت مهاجر زندگی کرد و انجا هم دست از کار هنری بر نداشت و در یک یتیم خانه به صفت معلم رسامی مصروف کار شد که از طرف همین بنیاد بنا بر برانندگی کارش در عرصه نقاشی به کشور بوسنیا توظیف شد و مدتی را در بخش ارت و هنر در انجا اجرای وظیفه نمود. نبی هنر مل در حدود هزار تابلو را نقاشی نموده که در نمایشگاه های داخل کشور و خارج از افغانستان به نمایش قرار گرفته است.

بر جسته گی ظرافت کاری وی در عرصه نقاشی و دیکوریشن ۱۳ بار زمینیه قدردانی و تقدیر از کار وی را از جانب مقامات دولتی کشور مساعد ساخته است.

اما بادریغ و درد به روز پجشنبه ۸ میزان سال جاری داعی اجل را لبیک گفت و با دنیایی فانی وداع نمود و جنت فردوس نصیب شان.

هیئت رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان و اداره مجله آواز مرگ نابهنگام مرحوم نبی هنر مل را ضایعه جبران ناپذیر در عرصه هنر دانسته برای خانواده و دوستان مرحومی صبر جمیل و تسلیت عرض میدارد. روحش شاد.

بقیه صفحه: ۲۲



نبی هنر مل کاکر، نقاشی که به وسیله توانا ئی و خلاقیت هنر مندانه اش با جا ذ به از عشق و امید و با حرکات موزون مویک در آمیزش رنگها جلوه های زیبایی را به تصویر می کشید هنر مل از دوره های نو جوانی علاقه به هنر رسامی داشت تا اینکه شوق و علاقه اش روز تاروز به این هنر او رامجبور می سازد تا از قلم پینسل اسکیچ و پرداز نخستین تجربه هایش را انجام دهد و موضوع کار نقاشی خود را طبیعت انتخاب کرد طبیعت برای او به مثابه استاد بوده است

سبک کار هنر مل شیوه ریالیزم در نقاشی است نبی هنر مل در فن نقاشی هنرمند سر امد روز گارش بود او در این رشته ازلیسه صنایع کابل تحصیلات عالی اموخته و

گزارش سفر رسمی رییس عمومی

R.T.A

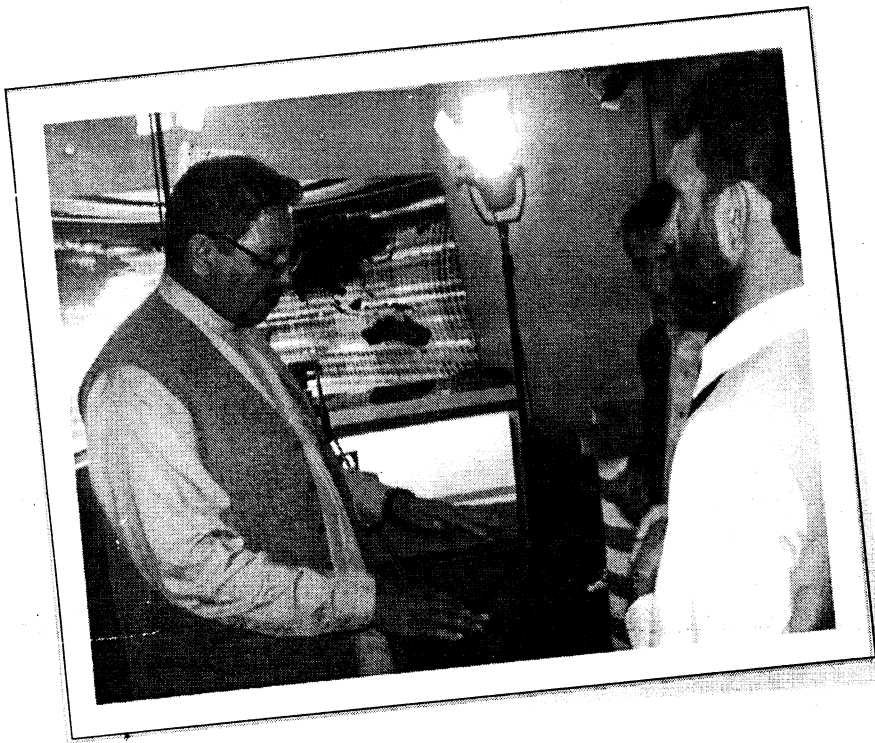
به ولایات شرقی کشور

امواج نشراتی می باشد. از ساعت ۶ الی ۷ شام و از ۷/۳۰ الی ۱۰ شب برنامه های تلویزیون مرکز را اخذ و نشر می نماید. تعمیر جدید رادیو تلویزیون ولایت ننگرهار که در ساحه پنجاه جریب زمین در منطقه هده به کمک مالی کشور هندوستان در حال آبادی است. انجینیر زلمی ضمن معلومات از تاسیسات آن ساحه گفت که این تعمیر تا اخیر سال جاری تکمیل و به بهره برداری سپرده خواهد شد. موصوف از کارکرد ها و فعالیت انجینیران رادیو تلویزیون ملی اظهار شکران نمود که در نصب و مونتاژ دستگاه در ساحه جدید از خود شایستگی نشان داده اند که قابل قدر می باشد و مبلغ هنگفتی را برای دولت صرفه جوی نموده اند که هر یک انجینیر محمد صابر، انجینیر عبدالله، انجینیر زلمی و انجینیر عبدالصمد که ایشان از طرف رییس عمومی رادیو تلویزیون مورد تحسین قرار گرفت. سپس هیئت رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان به تاریخ ۲۴ میزان وارد ولایت لغمان جهت باز دید از

آمر و کارمندان شبکه نشراتی ولایت ننگرهار دیدن نمودند. انجینیر زلمی از فعالیت های نشراتی و تخنیک رادیو تلویزیون ننگرهار گزارش مفصل ارائه نمودند. نشرات رادیو ننگرهار ۲۴ ساعت و نشرات تلویزیون ۱۸ ساعته است که دربرگیرنده برنامه های متنوع ذوقی، هنری، ادبی و خبری به

چندی پیش محترم محمد زرین انخور رییس عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان همراه با امر نشرات ولایات حاجی عبدالقادر جاوید از شبکه های نشراتی ولایات شرقی کشور دیدن نمود. که به صورت مختصر پیشکش میگردد: هیت به تاریخ ۲۲ میزان سال ۱۳۸۹ به ولایت ننگرهار رسیدند و با





گردیده اکنون دوباره بازسازی شد. ساحه پوشش رادیو ۲۰ کیلومتر و دستگاه رادیو آن روی موج AM.FM فعالیت دارد و به طاقت ۱۰ کیلووات و ۵۰۰ وات نشرات دارد تعمیر رادیو تلویزیون مطابق نقشه آباد گردیده بدون احاطه می باشد و ساحه زمین آن شش جریب می باشد.

آقای انخو ر آنتن جدید تلویزیون ملی کنرها را افتتاح نمودند و سپس با آقای واحد والی ولایت کنرها و حاجی عبدالقادر جاوید آمر رادیو تلویزیون ولایات بیرق ملی افغانستان را درپهلوی آنتن تلویزیون ملی به اهتزاز آورد در این محفل تعداد زیادی از زور نالستان و نویسنده گان ولایت کنرها هم شرکت داشتند.

تلویزیون که تعداد شان به ۲۰ تن میرسد ملاقات نمود و از تاسیسات آن آمریت دیدن کرد. آمر رادیو تلویزیون از پیشرفت و فعالیت های تلویزیون در عرصه علمی، فرهنگی، ادبی، هنری و خبری معلومات ارائه نمود و از کمک P.R.T در عرصه های بازسازی جنراتور ها، دستگاه ها نشر و اخذ فرستنده و آنتن رادیو تلویزیون یاد آوری کرد.

هیت متذکره از تاسیسات و تجهیزات کمک شده دیدن و درضمن به آمر رادیو تلویزیون و کارکنان آن هدایات لازم ارائه نموده و ایشان را هرچه بیشتر متوجه فعالیت های شان نمودند.

دستگاه رادیو تلویزیون ولایت کنرها در سال ۱۳۶۶ نصب و مونتاژ گردیده که دستگاه متذکره در سال ۱۳۷۱ در جریان جنگ ها تخریب

تاسیسات و دستگاه نشراتی رادیو تلویزیون لغمان شد.

محب الله آمر رادیو تلویزیون ولایت لغمان پیرامون فعالیت ها و نشرات تلویزیون و رادیو آن ولایت معلومات داده و گفت:

تعداد کارکنان رادیو تلویزیون ولایت لغمان ۲۱ تن است که ایشان در قسمت نشر، ثبت و تهیه راپور تاژها و برنامه ها رادیو و تلویزیون آماده فعالیت و خدمت هستند.

ملکیت رادیو تلویزیون این ولایت در حدود چهار جریب و هشت بسوه مطابق نقشه اعمار گردیده است و نشرات تلویزیون در یک کانترینر مونتاژ و تعمیر بدون احاطه است اگر آبادی احاطه ملکیت رادیو تلویزیون آغاز نگردد امکان دارد زمین متذکره از طرف بعضی از اشخاص تصاحب و مورد دستبرد قرار گیرد.

رادیو ولایت لغمان در سال ۱۳۸۱ و تلویزیون در سال ۱۳۸۵ به نشرات آغاز نموده است طاقت دستگاه تلویزیون آن 200w می باشد و ساحه پوشش آن ۲۰ کیلومتر است. رادیو آن روی موج F.M به طاقت ۵۰۰ وات بوده و ساحه پوشش آن ۴۰ کیلو متر است.

آقای انخو ر با کارمندان رادیو تلویزیون لغمان بازدید کردند و آنان را متوجه مسوولیت ها ژورنالستیکی و تخنیکي نمودند و هدایات لازم کاری را برایشان ابراز نمودند.

سپس رییس عمومی رادیو تلویزیون ملی به مقر رادیو تلویزیون کنرها که در مرکز ولایت کنرها موقعیت دارد وارد و با آمر رادیو تلویزیون کنرها محمد آصف روفی و کارکنان رادیو



محمد زرین انخوړ

په افغانستان کې د راډیو تاریخچه د راډیويي خپرونو اساسي پیل

شاعرانو او هنرمندانو په باب دې معلومات حاصل کړای شي. د هند، ایران، مصر او ترکیې د ریکارډ اخیستو له کمپنیو سره دې مفاهمه وشي او د موسیقي ریکارډونه دې واخیستل شي. په هند کې جنرال قونسلو ته دې خبر ورکړ شي چې د شرقي او غربي موسیقي د ساز د آلاتو د نرخونو د څرگندولو په باب معلومات راوېلېږي. د راډیويي خپرونو په اړه، د ځینو راډیويي خپرونو په رابطه په مجلو کې گډون وشو. د راډیويي خپرونو مفردات په مقدماتي توگه تهیه شول، ضروري مواد او لوازم خریداري شول. د نظر د خاوندانو په گډون په دې باب د مشورو غونډې تنظیم شوي او دغه راز د راډیويي خپرونو د فعالېدلو لپاره مقدماتي کارونه پیل شول. ښاغلي سرور خان گویا د مطبوعاتو د مستقل ریاست په چوکاټ کې د راډیو د مدیر په توگه وټاکل شو. (۲)

په کابل کې د راډیويي خپرونو لپاره یوه فني اداره او یو تخنیکي کورس جوړ شو چې (۶۵) تنه زده کوونکي یې لرل. په ۱۳۱۷ش کال کې د راډیو افغانستان متخصص انجینر عطاء الله خان اروپا ته ولاړ. د بروکاسټ د مرکز د ودانۍ کار د تیلگراف د لویې دستگاه تر څنګه په

یوې راډیويي اغېزمنې موسسې د جوړېدلو او فعالېدلو لپاره هلې ځلې پیل شوې. په لومړي سر کې د هېواد گوت گوت ته د نایب الحکمه گانو او اعلی حکامو په عنوان په متحد الماله توگه هدايات ورکړل شول او په دې توگه ترې غوښتنه وشوه چې: د سنډر غاړو او سازیانو نومونه دې ترتیب شي، د ذوق د خاوندانو، ادیبانو،

په ۱۳۱۴ل کال کې په افغانستان کې د وزیرانو لور مجلس د منځنۍ څپې د یوې راډیويي دستگاه د رانیولو لپاره (۳۱۴۱۵) سترلینګ پونده (یو ملیون او ۶۶۵ زره افغانی) منظور کړي. د هغه وخت د افغان ملي بانک مشر او بیا د ملي اقتصاد د وزیر ښاغلي عبدالمجید خان زابلي له الماني مقاماتو سره په دې باب یو تړون لاسلیک کړ. (۱) په بېره د



سید قاسم خان رشتیا مدیر عمومی نشرات ریاست مستقل مطبوعات ۱۳۳۰



زیر ری راکوی، مگر نه بنیایی چی مور په دی سخته وکو، او د هغو سرو له پالنې څخه سترگی پټی کو، چی دوی د مکتبو له زده کړې څخه محروم پاته شوي او پاڅه خلک دي، ولي چی دغه خلک زموږ د ملت یوه لویه برخه ده. په دې مقصد نو... حکومت د رادیو استوونکي دستگاه تاسیس کړه او د فني شرایطو سره سم یې، لومړی پلا منځنی څپه وټاکله. زموږ رادیو عرفاني ده. د افکارو د روزنې او د قوم د ښوونې او پالنې د پاره ده. د بزگرانو او د کلو د اصلاح د پاره ده، د بې کارۍ د لیرې کولو او زیار او کار د خپرولو د پاره ده. د سوداګرو او تجارت د پاره گټوره او د وطني مصنوعاتو د ترویج د پاره ده. د کسب کار او د لاسي او عصري حرفو د ښوونې د پاره ده. د کورنیو د اصلاح د پاره ده. د ملي ژبې د خپرولو او دېرولو د پاره ده. ددې د پاره ده چی دا ننگیالی قوم په دیني او اخلاقي نصایحو له عیش پرستی او اخلاقي ضعف څخه لیرې شي. ددې د پاره ده چی تاسی نوې خپرونه او ځنې تقریحي پروگرامونه واورئ. زه له هغو خلکو څخه چی د رادیو تر څرغ لوړونکو باندي راتولېږي د زړه له کومې دا خواهش کوم چی د زړه په غوږ یې واورې او عمل په وکړي. هغه خلک چی څه وایي، یا یې لیکي، هیله ځنې کوم، چی دوی هم، د خپلو اورېدونکو پوهني او استعداد ته په خپلو ویناو او لیکلو کی

وگوري...)) ((۴). له دغې افتتاحیه وینا وروسته د وخت د مطبوعاتو د مستقل رئیس علامه استاد صلاح الدین سلجوقي وینا د رادیو په څپو کی خپره شوه. ددې وینا مهم ټکی دا وو:

((دا مؤسسه مرکبه ده له: ۱- د رادیو د خپرونو مدیریت چی د

(یکه توت) کی او د مرکزي سټډیوگانو کار په باغ عمومي کی د مرکزي پوسته خانې له اړخه پیل شو. په ولایاتو او لویو ولسوالیو کی د اخذې د ماشینونو لپاره د پنځلسو ودانیو کار پیل شو. له قرارداد سره سم د المان له یوې کمپنی څخه د سامانونو رالېږل پیل شول. د ۱۳۱۸ل. کال په نیمایي کی د ودانیو او د سامان د رالېږلو کار پوره پرمختګ وکړ او د ماشینونو د درولو وخت راغی. سره له دې چی په اروپا کی د جگړې ستونزې وې، بیا هم د هغه شرکت (تیلیفون کن) کار کوونکي په خپل وخت کابل ته راوړسېدل.

د ۱۳۱۸ل. کال په عقرب کی د ترلو (مونتاژ) کار شروع شو او د ۱۳۱۹ کال د اسد د میاشتي په نیمایي کی دغې دستگاه خپلې از میبستي خپرونې پیل کړې. (۳) دا د رادیو د منځنی څپې شل کیلو واټه دستگاه وه.

د ۱۳۲۰ل. کال د حمل په لومړۍ نېټه، د هغه وخت د صدارت د لومړي مرستیال او - پوهني د وزیر سردار محمد نعیم خان په پښتو وینا د کابل رادیو په رسمي توګه افتتاح شوه. ددغې افتتاحیه وینا ځینو برخو ته، د رادیويي خپرونو د تاریخي ارزښت پر اساس، پاملرنه کوو: ((د لوی خدای په نامه... او د ننگیالي پښتون ملت د سعادت په غوښتنه د کابل رادیو منځنی څپه افتتاح کوم.

گرانو پښتنو اورېدونکو، دې ته اړ نه یم چی د رادیو د اهمیت بیان وکړم. ځکه تاسی ټول پوهېږئ چی په اوسنی زمانه کی، رادیو د ژوندون د ورځنیو ضروریاتو څخه ده او ملتو او حکومتو ته ډول ډول وظایف پرځای کوي... په دې وروسته کلو کی زموږ معارف لویې لویې نتیجې او گټې ښکاره کړې دي، چی مور ته د روڼ راتلونکي ژوند

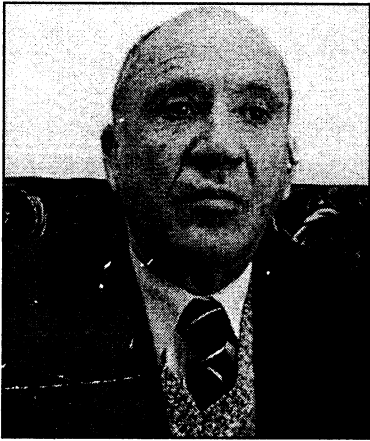
مطبوعاتو د مستقل ریاست، د نشریاتو په عمومي مدیریت پورې تړلي او پر دوو برخو وېشلی دی:

الف: د صحنې ټک: چی یو معاون او مشاور، صحنه آرا، وینا کوونکي ممثلین، ارکسترا او نور د موزیک ټولګي لري.

ب: کلوپ: ددې لاندیني لسو کمیسیونو څخه جوړ شوی دی:

ملي ژبه، دهاتي، ادبي، کرهنه، فلاحت، د روغتیا ساتنه، د کور چارې، تاریخ، فولکلور، علمي فني روزنې، اجتماعي او موسیقي. ددې کلوپ د کمیسیونو ټول اعضاء (غړي) چی د مرکز لیکوال دي او په فخری ډول خدمت کوي، ټوله په هفته کی یو پلا حاضرېږي.

۲- د تکنیک عمومي مدیریت چی یو مدیر، یو معاون او څو تنه انجینران لري او په نورو ولایاتو او اعلی حکومتونو کی یې هم ځانګې شته، د پست تلګراف او تیلیفون په وزارت پورې تړلي دي... زموږ د مرکز سټیشن (په یکه توت کی) شل جریبه ځمکه نیولې ده. پرته له دې د پروگرامونو د اجرا د پاره د پست، تلګراف د وزارت له څنګه یوه سټډیو هم په شپږ جریبه پاتی: ص ۴۴



شمس راد

هنرمند کیست؟

آثار هنری توسط هنرمندان متعهد به وجود می آید و بیان می گردد و وظیفه هنرمند متعهد و رسالتمند دشوار تر و پر مسوولیت تر بوده و می باشد زیرا هنری انگیزه و بی هدف هنری تأثیر است هر چه هدف و پیام هنر عالیتر باشد به همان اندازه مقام هنرمند و بالاتر است. وظیفه و اصول هنر و هنرمند بر ماساختن پستی ها و کاستی ها و راه دگرگونی آنها است. چنانکه در زمینه سارتر معتقد است. «هدف هنر و ادبیات تغییر دادن جهان از پلیدی ها و کاستی ها است و آنچه باید دگرگون شود همین پستی ها و پلیدی ها است و چیز یکه توسط هنرمند ترسیم تمثیل و بیان شود همین ناهنجاری و نابه سامانی های جامعه است. طوریکه

کننده و افعات و حوادث ناگفته جامعه است. هنر راستین بیدار کننده مردمان تحت ستم است بنابراین در جهان هیچ اثر هنری رانمی توانم سراغ کرد که در آنز و او دور از اجتماع انسانی و زنده گی تکوین یافته باشد. چنانکه علما درباره هنر چنین گفته اند: «هنر عبارت است از آشکار ساختن زیبایی های طبیعت، زنده گی و سعی برای ایجاد زیبایی توسط کلمات زیبا چون ادبیات و الحام زیبا چون آواز خوانی الوان و رنگهای زیبا چون رسامی نقاشی و حرکات موزون بدن چون رقص و امثال آن هنرهای زیبا را تشکیل میدهد.

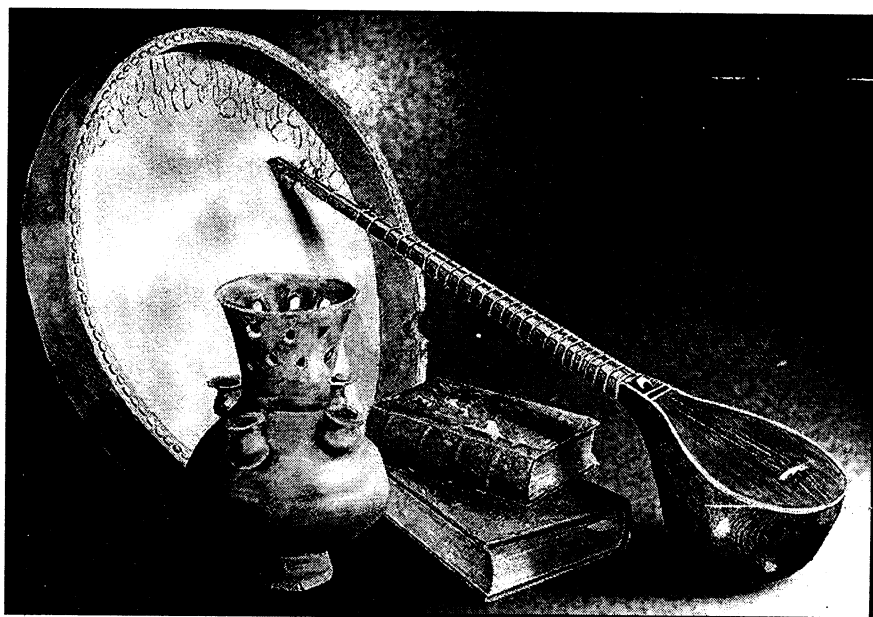
پدیده هنر از بدو پیدایش تکامل جوامع انسانی با انسان ها همراه بوده و طی مراحل مختلف تاریخی به اشکال گوناگون رشد یافته که هر دوره تاریخی آن نمایانگر ویژه هنر همان عصر و ممثل اوضاع و احوال خاص مادی معنوی و اجتماعی آن دوره می باشد. هنر به گونه اعم در گستره تکامل حیات انسانی از منبع جوشان و پایان ناپذیر زنده گانی و مناسبات تولیدی تغذیه نموده و آثار جاویدان گذشته گان نمایانگر درک وسیع آفرینندگان آن ها از این منابع بوده است. هنر به سالمندی عمر انسان ها است چرا که زائیده نیاز های عملی انسان ها و تغییر دهنده مؤثر به سود انسان ها می باشد. و باز تاب

هنرمندانه اینگونه درد ها است که تمام شاهکارهای هنری و شعری جهان بر اثر همین انگیزه یاسفارش اجتماعی یادرد اجتماعی به میان آمده است. و جاویدان گردیده اند. طوریکه در زمان حضرت حافظ شیرازی نگارش اجتماعی آن وقت عبارت از سرودن شعر منعیث سلاح بود بر ضد سازمان ریایی شیخ، و دغل بازی که در غارت کردن مردم ساده دل از دین و دینداری سؤ استفاده میکردند و حافظ با سرودن اشعار ناب سعی داشت تا مردم را از دام های تزویر و ریای آنان.... دارد و همچنان عمر خیام، ناصر خسرو و امثال شان علیه چنین زشتی ها پر خاش میگردند و مردم را راه می نمایند و یا چنانکه شاهنامه فردوسی بزرگترین فریاد پر خاش عصرش بر ضد استعمار عرب و ترك بوده است. پس هنر و هنرمند مستعد لازم و ملزوم یکدیگر و آزاد کننده و هشیار کننده و بیدار کننده و بسیج کننده بوده انسان دوستی آزادی خواهی، لازمه حیات، فناپذیری شان می باشد.

آنرا به حق و حقوق شان مطلع می سازد و به مردم می نمایند که ظالم هر چه دلش بخواهد با لای مردم بیچاره تحمیل کند و همین قسم همه نابسامانی ها و نابرابری های دوراننش را به فریاد های ظریف شعری، خنده دار و نیشدار اعلام میدارد و مردم را علیه آن بسیج میدارد.

اینگونه افشاگری و آگاهی از عمیق ترین دردهای اجتماعی است که هنرمند باید تیزبینش آنرا می بیند، و درک و احساس می کند و وجود آنرا بی پرده اعلام میدارد که این همان نگارش اجتماعی و یا ز دیده گاه دیگر آنرا میتوان درد اجتماعی نامید، پس رسالت هنرمندانه هنرمند راستین و مردم دوست بیان

اگر دزدی را تمثیل می کنم که عمل بد است باید علت اصلی دزدی را نیز بیان و راه علاج آنرا که دزد برای زنده ماندن فرزندش لقمه نانی را دزدیده و بالاخره گرفتار و زندانی شده است نیز دریابیم و نشان بدهیم، یعنی ریشه و علت و پیدایش «بدی ها» را روشن به چراها جواب مقنع ارائه کنیم بنابراین این رسالت هنرمند رسالتی است که تعهد در هنر را با ایمان راستین و خدشه ناپذیر پذیرفته و در تسین آن کوشا است چه هنرمند مردم گریز زنده نیست و بقا ندارد و آثارش چون حباب سر آب است. هنرمند افشاگر است آنانی را که از نادانی عامه مردم سؤ استفاده می کند افشا و مردم را تنویر نموده





خبری گزارشونه

د خبر برخي Parts of news

خبر عموماً درې برخي لري. سرليک، پيلامه او متن، خو سرليک يواځې په چاپي خبري رسنيو کې وي، ځکه سرليک په چاپي رسنيو کې د خلکو د پام په وړ اړولو کې کارنده رول لري. دبرېښنايي رسنيو خبرونه د دوه برخو يانې پيلامي او متن لرونکي وي. ځيني خبريالان يا د ژورناليزم پوهان د برېښنايي رسنيو خبري سرټکي د خبرونو سرليکونه گڼي. د دوی دليل دادی چې خبري سرټکي هم د سرليکونو په څېر د اورېدونکو پام وړ اړوي.

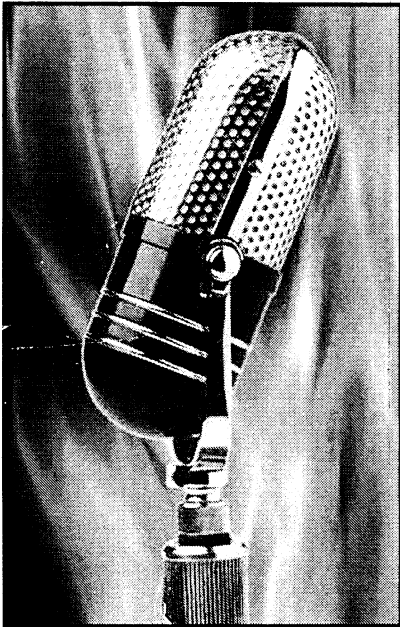
د خبر پيلامه News Lead:

پيلامه په انگرېزي کې Lead يا Intro بولي. انټرو د انټروډکشن Introduction مخفف دی او انټروډکشن د پېژندنې په مانا ده. هره خبري پيلامه اړونده خبري کيسه، خبر يا پېښه اورېدونکو او لوستونکو ته ورپېژني. د پيلامي په اړه گڼ تعريفونه شوي دي چې څو يې په لاندې ډول دي: د خبر لومړۍ جملې يا څو جملو ته پيلامه وايي. لوستونکي په ناڅاپي ډول لاندې کول او لوستلو ته د هغوی پام را

اړول د خبر د لومړۍ کرښې ليد (Lead) اصلي دنده ده. فرانسويان ليد ته حمله يا حمله کوونکي جمله وايي. پيلامه د خبر د مهمې برخې يا برخو لنډيز دی. يانې د پيلامي په اورېدو يا لوستلو سره اورېدونکي او لوستونکي پوهېږي چې خبر د څه په اړه دی؟ پيلامه د خبر ډېره مهمه برخه ده، ځکه پيلامه د خبر له تر ټولو ارزښتناکې برخې څخه غوره کېږي. د هر خبر ډېري راز تر ډېره د هغه په "پيلامي" پورې اړه لري. څومره چې د يوه خبر پيل يا پيلامه په زړه پورې وي، نو په همغه اندازه يې ډېر اورېدونکي اوري. بريالی پيلامه هغه ده چې د ډېرو د پام وړ وگرځي اوله نورو چارو څخه د ليدونکو، اورېدونکو او کتونکو پام د ځان په لور وړاړوي. د جگړو په اړه راپور ورکوونکي خبريالان پيلامه د خبريال وسله گڼي او د هغوی په اند که خبريال په همغه لومړي سر کې په لوستونکو د دغې وسلې وار ونه کړي، نو داسې وگڼي چې جگړه يې بايللي ده. پيلامه ډېر ډولونه او د ليکلو گڼي لارې لري. ښه ليد يا پيلامه هغه ده چې خبري کيسه يا پېښه لوستونکو ته په زړه پورې کړي او تر پايه يې د هغې لوستلو او اورېدلو ته وهڅوي.

لومړۍ جمله د ليکنې د زړه حيثيت لري اونورې برخي د لومړۍ هغې هومره په زړه پورې نه وي لومړۍ جمله د اورېدونکو د پام را اړولو کار ورکوي. د پيلامي ليکلو کومه نېغه او يواځيني لاره نشته. يانې پيلامه ليکنه کومه ټاکلې او ځانگړې لاره نه لري. پيلامه په گڼو لارو ليکل کېدلې شي. د بېلگې په توگه که د ورځنيو پېښو په اړه د بېلابېلو رسنيو يا خبريالانو خبرونه واورئ، نو د ورته پېښو په اړه به بېلابېلې خبري پيلامي واورئ. دا ځکه چې د خبريالانو د ليکلو ډول يا ليکلارې يو تر بله لږ او ډېر توپيرونه سره لري. لنډه دا چې پيلامه ليکنه داسې کومه ځانگړې رياضياتي فرموله نه لري چې د کارولو پر مټ يې ټول خبريالان يو ځواب يا پايله ترلاسه کړي، بلکې يواځيني شی چې هر پيلامه پر مهال ورته پام وکړي هغه لنډيز، روښانتيا او په زړه پورې والی دی، ځکه همدا د يوې ښې او د خلکو د پام وړ پيلامي ځانگړنې دي. د خبرونو له پلوه پيلامي په دوه ډوله وېشل شوې دي. د ساده خبر پيلامه او د پېچلي خبر پيلامه.

۱- د ساده خبر پيلامه:



چارو وزیر د گوښه کولو نارې ووهلي.

خـــه وخت؟
که دخبرې پېښې دنورو خواو په پرتله وخت ډېر مهم وي، نو هغه په پيلامو کې راوړل کېدلی شي لکه: هغه په ټکنده غرمه وسله والو غلو خلک ولوتل.
يا: په رڼا ورځ د ښوونځي دوه تنه زده کوونکي ناپېژندويه کسانو وتښتولي.

ولـــي؟
دولي پيلامه تر ډېره د پېښې د لاملونو د معلومولو هڅه کوي. لکه: ماشوم تښتونکو د تښتې هڅه کوله ځکه، نو د پوليسو په ډزو ووژل شول.
يـــا:
موټر چلونکي د ماهيپر په کرلېچونو کې پرېشاني وړی وو، ځکه يې موټر بې لارې شو او بنکته ولوېده.

خـــه ډول؟
د څه ډول پيلامه تر ډېره د پېښې د پېښېدو ډول راسپړي. بېلگه: د دو وسله والو ډلو دنښتو ترمنځ درې تنه ولسي وگړي ووژل شول.

۲- پېچلي پيلامه:
دا هغه پيلامه دي چې له يوې څخه د ډېرو يا داسې پېښې اړوند وي چې په هغه کې له يوې څخه ډېرې خواوې د پام وړ وي. ټولې پېښې يو ډول نه دي ځيني پېښې د خپل ډول له مخې تر نورو

دا هغه ډول پيلامه ده چې د يوې يا لږ تر لږه داسې خبرې پېښې اړوند وي چې د زيان کچه يې لږه وي. لکه په يوه پېښه کې يو تن مړ وي. يو تن لوټل شوی وي او داسې نور. بېلگه: ناپېژندويه وسله وال غله نن ماښام د شهزاده سراي د صرافانو مشر ولوتله.
يـــا:
د کابل - جلال اباد په لويه لاره د يوې ترافيکي پېښې له امله دوه تنه مړه او درې نور ژوبل شول. تر دغې پيلامې وروسته د پېښې تفصيل، د خلکو پېژندگلوې، د پېښې ځای، وخت، لامل او نور ښودل کېږي. د ساده خبر د پيلامې شپږ ډولونه دود دي:

خـــه وک؟
که د خبر اړوند يا په پېښه کې ښکېل يا زيانمن شوی کس مشهور وي، نو په پيلامه کې همغه راوړل کېږي (۶) لکه: د پکتيا والي پوهاند تڼيوال په يوه خانمرگي بريد کې ووژل شو.

خـــه شـــي؟
کله چې په پېښه کې د ښکېلو کسانو په پرتله په خپله پېښه ډېره مهمه وي، نو د هغې پيلامه داسې وي چې: د ځان سوځولو پېښې د يوې ځوانې مېرمنې ژوند واخيست.

چېرته؟
کله چې د پېښې ځای مهم وي، نو په پيلامه کې همغه راوړل کېږي. بېلگه: د ولسشمرې ماني مخته زرگونو لاريون کوونکو د کورنيو

پېچلي وي. پېچلي په دې مانا چې په هغه کې ډېرې خواوې د پام وړ وي. لکه په يوه پېښه کې گڼ کسان مري، کورونه او ودانۍ په کې نړېږي، هټۍ په کې سوځي، موټرونه په کې له منځه ځي او نور. دا ډول پېښې د پېچلو خبرونو بېلگې دي. د دغه ډول پېښو پيلامې په دوه ډوله ليکل کېدلی شي.

۱- لنډې پيلامې Summary Lead
۲- د روښانه رول لرونکې پيلامې Salient Feature Lead

۱- لنډې پيلامې Summary Lead:
په دې ډول پيلامو کې ټولې خواوې د ارزښت له مخې په يوه پارگراف کې يوه په بلې پسې راوړل کېږي. يانې تر ټولو د زيات ارزښت لرونکې د مخه، د منځني ارزښت لرونکې ورسې او دلر ارزښت لرونکې برخې په پای کې راوړل کېږي.

۲- د روښانه رول لرونکې پيلامې

شبکه خبر R.T.A

درببر گرفته و يك اداره اطلاعاتی و اطلاع دهی می باشد. که در هر نوع شرایط به اطلاع رسانیده و هیچ گاهی از فعالیت باز نمانده است. اخبار رخدادها و وقایع مهم را از طریق آژانس اطلاعاتی باختر و توسط گزارشگران مؤظف شده مطابق پروگرام تهیه و به دست نشر می سپارد و هم گزارش های ولایتی رابه مردم طور مستقیم از طریق تماس های تلفونی - انترنت و به دست نشر می سپارد اخبار خارجی را با تصاویر از منابع E.D.T، اشوستیدپرس رویترا C.N.N تهیه و نشر می شود ازینکه خبر در تلویزیون بدون تصویر برای بیننده دلچسپ نمی باشد گاهی اوقات اخبار عاجل و حالات اضطراری از تصاویر آرشیف استفاده می گردد و هم از گرافیک که درخبر مهم و اساسی است بهره گیری می شود یعنی تصاویر به وسیله (گرافیک) ترتیب و تهیه می شود.

اداره های اطلاعات رادیو تلویزیون بر علاوه تهیه اخبار

کاری شبکه خبر رادیو تلویزیون گزارش مختصر را تهیه کرده که پیشکش می گردد.

آمریت شبکه خبر:

آمر شبکه خبر ژورنالیست موفق، با تجربه و مستعد میر علی اصغر اکبرزاده است که بخش های اداری، خبر و گزارش دهی را تنظیم و رهبری می نماید.

شبکه خبر در تشکیل ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی بخش های رادیو تلویزیون را

هیئت رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان به منظور اطلاع رسانی تازه، و منسجم سازی پرو سه کاری عین محتوای شعبات و همواسازی گزارش دهی ژورنالیستان بایکجا سازی ادارات : اطلاعات رادیو، تلویزیون، اخبار بین المللی و نطقان تحت يك آمریت و رهبری به نام شبکه خبر در ماه اسد سال جاری اقدام نمودند.

اداره مجله آواز در مورد پرو سه



رسمی یاقرار دادی برنامه های مختلف رادیو تلویزیون راگوینده گی می نمایند. نطقان برنامه های هنری ادبی و اطلاعاتی مشخص و شیوه پذیرش نطقان در رادیو تلویزیون ملی توسط کمیونی که در زمینه تشکیل شده از نگاه صدا، صورت و سواد بررسی و سپس انتخاب می شوند.

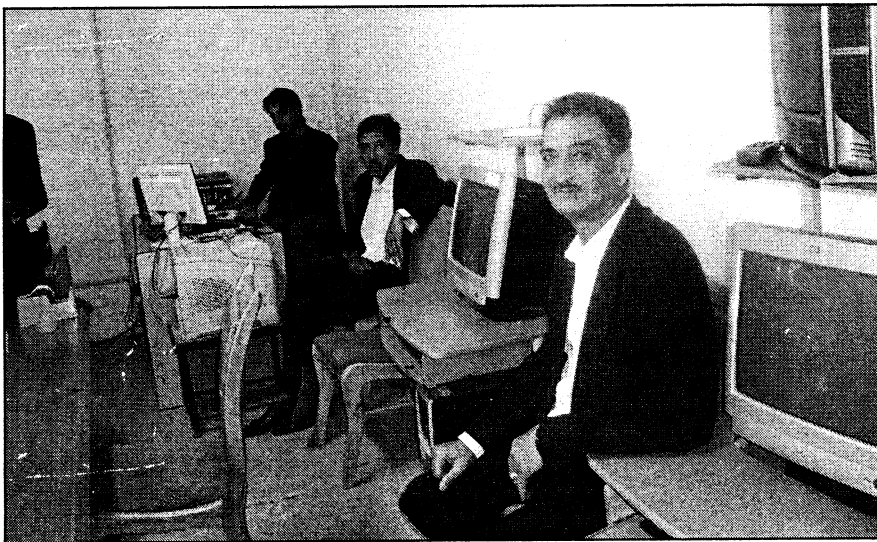
اخبار توسط شبکه خبر از دری به انگلیسی ترجمه و در سرویس خبری ساعت ۱۰ شب نشر می شود.

باید این را متذکر شد که آمریت شبکه خبر رادیو تلویزیون از جمله شعبات کلیدی بوده همانطوریکه بخش اطلاعات در یک رسانه جایگاه خاص دارد بدین اساس آمریت شبکه خبر رادیو تلویزیون طور مختصر درین شماره آواز به معرفی گرفته شده است.



دیدند که تا اکنون اخبار را از شبکه های اشوستید پرس، رویتر C.N.N، سایت های خبری انترنتی تصویر آن تهیه و در سرویس های شبا روزی تلویزیون ملی نشر میدارند. بخش دیگر آمریت شبکه خبر را اداره نطقان رادیو و تلویزیون تشکیل میدهد. نطقان به طور

و اطلاع رسانی برنامه های چون: مباحثه، تودی شیبی، انعکاس، نگاه، بحث هفته، اقتصاد و پیشرفت، مروری بر وقایع مهم هفته رادرتلویزیون و برنامه های رادیو صدای مردم، سفر رادیویی، بیانیه ۱۵ روزه، رییس جمهور آیینیه مطبوعات را از طریق رادیوبه نشر می سپارد. کنفرانس های مطبوعاتی، سیمناها به مناسبت های مختلف طور مستقیم و زنده به وسیله دستگاه سیار O.B.V که کارگردانی آن مربوط شبکه خبر است. گزارش های ولایتی و اخبار را توسط انترنت تهیه و از طریق رادیو و تلویزیون نشر می نمایند. مدیریت اخبار بین المللی که این اداره به کمک کشور آلمان سه سال قبل ایجاد گردیده که یک تعداد از کارمندان تلویزیون را آموز گاران متخصص DW آموزش



مرکه

سندر غاری کیدل خواوس آسانه کار دی

خو کمپوز جوړ ول ډیر گران کار دی

مرکه کوونکی: تاج محمد یاری

سندر غاری کرم. پوښتنه: په موسیقي کې دشعر دريځ لور دی که دکمپوز او یا سندر غاری آواز او هاند؟
 خواب: سندر غاری کیدل خواوس آسانه کار دی خو کمپوز جوړ ول ډیر گران کار دی ډیر کلونه کیری چې سندر غاري یو ډبل پیښی کوی او کوم نوی کمپوز خومی نه دی اوریدلی او د موسیقي په هنر کې داتول هر یو ځانته خپل خپل ځای لري چې داتول سره یو ځای شي نویو په زړه پوري سندر ترینه جوړیدای شي.
 پوښتنه: اوسنی افغانی موسیقي بهیر څرنگه گوری؟
 خواب: که رښتیا درته ووايم زما په نظر ډیر لږ وخت نور غواري چې کمپله یې توله شي.
 پوښتنه د موسیقي په دنیا کې خوړی او ترخي خاطرې موکومی دي؟
 خواب: کوم وخت چې زه څه وایم

کری ده تاسی له خان سره ملگری کوواو دزره خواله ورسره کوو! پوښتنه: ستاسی نظر د اوسنی موسیقي او دڅو کلونو وړاندې موسیقي سره څرنگه پرتله کوی؟
 خواب: که رښتیا ووايم شاعران ډیر شوي او ښه شوي دي د موسیقي تغیر ټول شوي دي.
 پوښتنه: داوسنی موسیقي هنري بهیر څرنگه ارزوی؟
 خواب: ځینی اوسنی هنرمندان هنر دمسخري په شکل استعمالوی یا خودنور و هنرمندانو پیښی کوي.
 اوس سندر غاری کیدل ډیر آسانه کار دی.
 پوښتنه: د موسیقي په نړی کې موڅرنگه قدم کیښود؟ او څرنگه مومینه ورسره پیداشوه؟
 خواب: ما دخپلو خلکو ډیر تریڅ ژوند لیدلی او کتلی دی دخلکو د بدو ورځو فقیر ژوند لور او تندوپه مجموع کې هم دهغو محتاجی او کړاونو زه نیمه شاعر او بیا

هنر په ځانگړي توگه د موسیقي دساز آواز دزرونو په دنیا کې ډیره زیاته اغېز شدي او ورباندې تاثیر لری.
 هر سندر غاری په خپله ټولنه کې بیل ځای او موقف لري ځانته اوریدونکی او مینه وال لری بریالی سندر غاری هغه څوک دی چې په خپله تگلاره کې یې زیات زیار ایستلی زیاتی هڅې او هاند یې کړی وي د موسیقي د هنر په ټولو ځانگړتیاو یې ځان بلد او پوهولی وي دشعر او کمپوز په برخه کې یې ښه انتخاب کړی وي دټولني له غوښتو سره یې سم گامونه اخستلی وي . دا وریدونکو ذوق او شوق په نظر کې نیولی وي ار، دغو دخوښي احساس یې له ځان سره پیدا کړی وي.
 داوازمجلی په دی برخه کې دهیواد له نامتو هنرمند عبدالله مقری سره دمرکې درشل ته چې څو شیبې مو ورسره یوه لنډه مرکه

ډير لری شوی هم نه يم او ډير نژدې هم ورته نه يم ځکه چې زه لاتراوسه له گران هیواد څخه بهر په بل وطن کې ژوند کوم .

پوښتنه: تراوسه موڅومره سندری په راديو تلویزیون کې ثبت کړي دي دشعر او کمپوز ونوپه جوړولو کې موڅومره کار کړی دی؟

ځواب: همدا اوس غواړم چې يوه DVD جوړه کړم او ددې وطن کلونو دناخوالو انځورونه په کې څر گند او ښکاره شي.

پوښتنه: نویو ځوانانو لپاره چې د موسیقي هنر په برخه کې یې نوی گامونه ایښي دی څه لارښوونه او مشوره ورکوي.

ځواب: هغه ځوانان چې موسیقي له هنر سره مینه لري لازمه ده چې زیات کوشش وکړي خپل هنري مسوولیت وپېژني او هنر مسخره نه کړي او خپل افغانی دریځ په پام کې وینسي .

پوښتنه: داصیلی افغانی موسیقي او غربي موسیقي د تو پیر په برخه کې ستاسي نظر څه دی؟

ځواب: کلاسیکه موسیقي زموږ له چاپیر یال سره توافق او سمون لري خو غربي موسیقي زموږ دخلکو له افکارو او ذوقونو سره توافق نه لري او ورته چمتو نه دی نو زما مشوره داده چې پردی سندری باید ونه ویلی شي او دخپل وطن دخلکو درد ونونه او غوښتنی منعکس کړی.

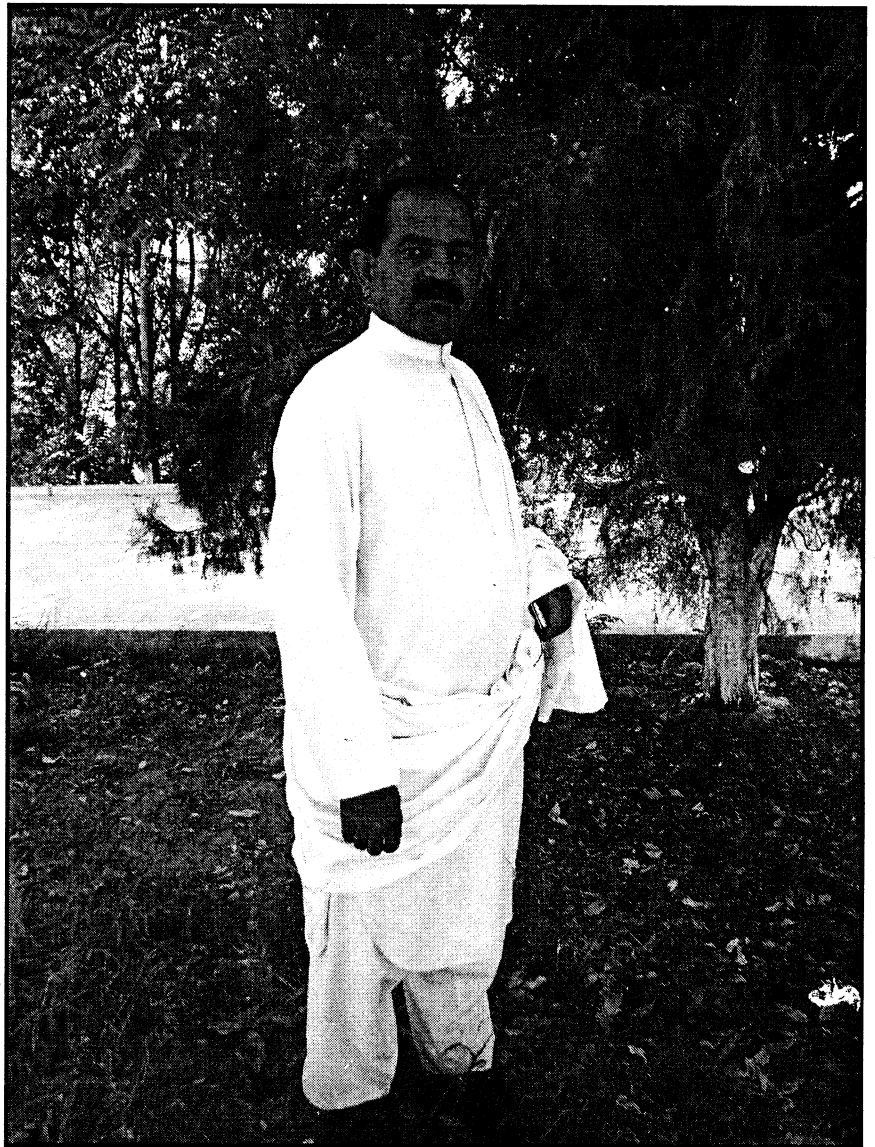
زه دخپلو هیواد والو په دردمند او په خوشحالیو یې خوشحاله يم خو په اوسنیو شرایطو کې زما هیواد وال دردمنددي نوزماپه سندروکي دغه راپیښي شوي درداو ناخوالی ډیر اغیزمنی دي .

پوښتنه: دخپل شخصي او هنري ژوند په هکله کې څه معلومات راکولی شي؟

ځواب: زه ده موسیقي له هنر څخه

خلک ماته غور وي او په خپلو منځو کې خبرې نه کوي زما سندري اوري نوزه تري خوند اخلم.

پوښتنه: ستاسي په خواره اوله احساسه ډکوسندروکي دوطن دناخالو، دردونو، ویرانیو، ځانځانیو انځورونه ډیر هنري رنگ او شکل سره موجود دی ددی لامل څه کې وینی؟



شناسائی کارمندان موفق

شمس راد فرزند محمدايوب ژورنالیست و نویسنده پس از اتمام تحصیلات عالی از لیسه نادریه شامل پوهنځی ادبیات بخش ژورنالیزم پوهنتون کابل شد پس از فراغت به اداره روزنه رادیو تلویزیون افغانستان به طور رسمی مقرر شد. از سال ۱۳۵۸ تا اکنون در اداره نشرات خارجی رادیو مصروف کار است.



آقای راد در نوشتن مضامین متنوع و ایجاد برنامه های رادیویی مبتکر، همکاری و هیت تحریر مجله آواز است که با نوشته های مسلکی و ژورنالیستی خویش صفحات مجله را آذین کرده است. موصوف مرجع حل مشکلات مسلکی همکاران است با وجود که تکلیف صحي عاید حالش است با صمیمیت و خوشی آناترا یاری رسانیده. به پاس خدمت شان از جانب وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست R.T.A مدال و تحسین نامه ها را دستیاب شده. سفرهای رسمی به کشورهای آلمان، تاجکستان، ایران، هندوستان داشته است. طول عمر صحت و سلامتی برایشان آرزو داریم.

خانم عزیزه سرمست صافی یکتن از کارمندان موفق سابقه دار بخش تخنیکي رادیو تلویزیون است.

خانم سرمست صافی در ولایت بغلان تولد بعد از سپری نمودن دوران کودکی و تحصیلات ابتدایه و عالی از لیسه زرین فارغ و شامل انستیتوت T.T.C رشته رادیو شد که در سال ۱۳۶۵ از صنف چهاردهم فارغ و سپس در عرصه تخنیکي رادیو تلویزیون به صورت رسمی مقرر شد. که بخش های انجینیر اپریشن و ترمیم o/m در امواج متوسط و امواج کوتاه رادیو افغانستان، مسوول بخش گزارش گیری و راپور دهی تخنیکي فرستنده های رادیو تلویزیون، مسوول بخش فریکونسی منجمنت و ترتیب تندر مشخصات تخنیکي و وسایل و تجهیزات تخنیکي استدیو های رادیو تلویزیون و فرستنده ها، برودکاستنگ سیستم Bss و Tvro انجام وظیفه نموده است جهت اشتراک در کورس برودکاستنگ کشور جاپان تدویر یافته بود از طریق اداره معرفی و سند فراغت رابه دست آورده است خانم عزیزه وظایف سپرده شده را به علاقه و دلچسپی انجام می دهد موفقیت و کامیابی هرچه بیشتر شانرا از خداوند (ج) خواهانیم



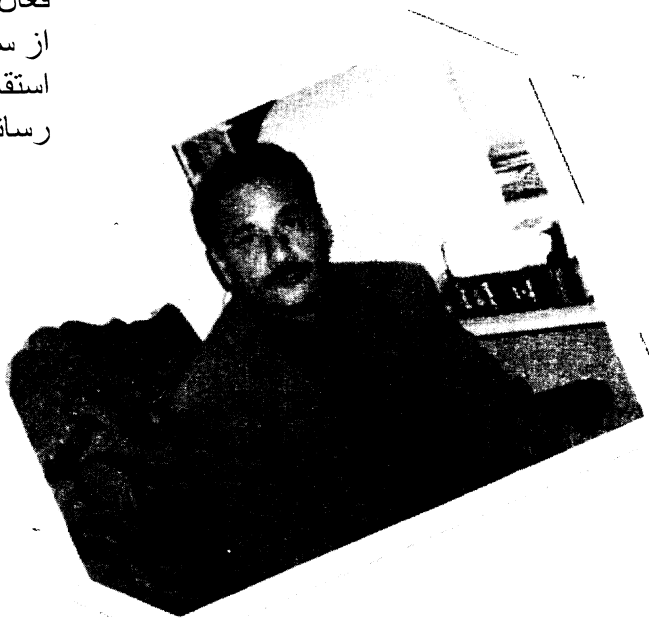
شناسائی کارمندان موفق



عزیز احمد « ملك سراج » فرزند سيد احمد خان كارمند با تجربه موفق فرهخته راديو افغانستان در سال ۱۳۵۹ از لیسه حبیبیه فارغ و پس از سپری نمودن امتحان کانکور شامل پوهنځي زبان و ادبیات پوهنتون کابل شد که در سال ۱۳۶۴ از آن پوهنځي به درجه لیسانس فارغ و در مدیریت مجله (فرهنگ مردم) مربوط وزارت اطلاعات و کلتور وقت شامل وظیفه رسمی گردید.

موصوف نظریه ذوق و علاقه که به راديو تلویزیون داشت در سال ۱۳۶۵ در اداره بررسی و پلان راديو مقرر شد و در اداراتی چون: اطلاعات، راديو کابل، اعلانات و مدتی هم به حیث معاون اداره نطقان ایفای وظیفه نموده است بنابراین راديو افغانستان و شایستگی که دارد به حیث مدیر عمومی ارزیابی ریاست نشرات راديو تعیین که تا اکنون در این پست انجام وظیفه می نماید آقای ملك سراج کورس های منجمنت و ژورنالستیکی را به اتمام رسانیده تصدیق نامه و تحسین نامه هارا نیز به دست آورده است. موفقیت هرچه بیشتر شانرا از خداوند متعال خواهانیم.

محمد عظیم روفی فرزند عبدالکریم ژورنالیست مبتکر و فعال در گذر مرادخانی کابل تولد پس از سپری نمودن دوران کودکی در روس ابتدائیه را در لیسه استقلال و عالی را در لیسه حبیبیه در سال ۱۳۶۱ به پایان رسانیده است. و پس از انجام رسانیدن خدمت عسکری در سال ۱۳۶۷ شامل پوهنځي ژورنالیزم پوهنتون کابل شد. و در سال ۱۳۷۰ به سویه لیسانس فارغ و در سال ۱۳۷۱ شامل کار رسمی در راديو افغانستان شد. در ابتدا به حیث تهیه کننده برنامه مجله تلویزیونی اداره هنر و ادبیات و سپس کارگردانی برنامه مجله تلویزیونی و آینه شهر را عهده دار شد. و اکنون بر علاوه وظیفه کارگردانی برنامه ها، مدیر برنامه های ادبی تلویزیون هم است سعادت و موفقیت شانرا خواهانیم.



د پېښه يې کړې سپک



ولي مخاطب مهم دی؟

لکه څنگه چې هغوی زموږ رانیوونکي او لیدونکي دي او موږ ته هغوی خپل خدمتونه رسوي، باید پوه شو چې هغوی له موږ څخه څه غواړي:

- ۱- د زیاتې پانګې لاره: چې مسلکي بازار موندونکي گومارل کېږي او هغوی د مخاطب اړتیا پېژني.
- ۲- د ساده او کمې پانګې لاره: په دې تګلاره او روش کې له ځانګړیو ډلو یا ګروپونو Focus Groups څخه ګټه اخیستل کېږي چې د بېلګې په توګه په تهران په ښار کې، په شلو برخو وېشل کېږي او د بېلابېلو مام (منګ) لرونکیو شل بېلابېلي ډلې ټاکو چې له خلکو څخه د هغوی د اړتیاوو په باره کې پوښتنه وکړي.

هغه برنامې او گزارشونه چې موږ یې چمتو کوو، باید خپه کوونکي Depressing نه وي، بلکې باید خندوونکي Funny او په زړه پورې Interesting وي. د گزارشونو په پای کې هم په خپله خبريال خان معرفي کوي چې دغې برخې ته Tag Line وايي. د خبري گزارشونو په جوړولو او وړاندې کولو کې له نورو مهمو مسئلو څخه انساني خوا ته پام او د خبر انساني کول Humanizing دي. ځينې وخت په گزارشونو کې کولی شئ چې د اړیکې Relevance پر ځای له انساني کولو Humanizing څخه ګټه واخلي.

د یوه ښه گزارش ځانګړتیاوې:

- ۱- ښه انځور ولري.
- ۲- داسې وپيونه او جملې ولري چې بشپړوونکي وي.
- ۳- توازن ولري.
- ۴- ناپېیلی او له شخصي نظر څخه پاک وي.
- ۵- دواړه یا ښکېلې خواوې په کې غبرول شلې وي.
- ۶- په ښه مهارت سره لیکل او ویل شوی وي.

څنگه خپل مخاطب له خانه سره وساتو؟

هر کله چې خبر اوږدېږي او تکراري او وړوکي بېساره مسئلې په کې وړاندې کېږي، لیدونکی چې تازه له کاره ستړی راګرځېدلی دی، پرته له دې چې پر څه پوه شي، د تلویزیون مخ ته ځیر کېږي چې دغه کار ته Glazing Factor وایي. د دغه ډول حالت د پېښېدو د مخنیوي لپاره، د بېلګې په توګه د خبري سروېس یوه ډېرش ۳۰ دقیقه ییزه برخه پر دوو برخو وېشل شو: په لومړۍ برخه کې، لومړۍ پنځه خبري سرلیکونه خپروو او وروسته د سختو خبرونو Hard News په اوږدو کې له نرمو خبرونو Funny څخه ګټه اخلو او د دوو برخو په منځ کې له

سوداګریزو خبرتیاوو څخه ګټه اخلو؛ خو تر سوداګریزي خبرتیا وړاندې د پاتې برخې د سرلیکونو یادونه هم کوو. کله چې په دویمه برخه کې له یوه گرم او تازه خبر څخه ګټه اخلو، په دې ځای کې د Focus Groups نقش او د خلکو د راکښونتیا پر اړوندو مسئلو پوهېدنه او درک ډېر زیات مهم دی چې د دغو ډلو لاسته راوړنې لامل کېږي چې نرم خبرونه چمتو کوو. د خبرونو په پای کې د خبرونو د لنډیز له اعلان څخه ګټه وانخلي او له دې غوندې (جملې) په پای کې And ... finally څخه ګټه واخلي او وروسته یو خندوونکی یا خوشالوونکی خبر راوړئ چې په هغه کې له Sound Bite څخه مناسبه ګټه اخیستل شوې وي.

د یوه مهم خبر د خپراوي لپاره له کوم طرز څخه کار واخلو؟

د مهمو خبرونو د خپراوي لپاره کولی شئ چې له څو کڅوره ییز طرز Multi- Package څخه ګټه واخلي. په یوه خبري سروېس کې د مهم خبر د وړاندې کولو لپاره تر ټولو اسانه طرز دی چې په بشپړه توګه دغه برخه ډکولی شئ؛ خو د خبر د بې اهمیتته کېدلو د مخنیوي لپاره یې پر څو برخو وېشو. په هره برخه کې د لیدونکي او اورېدونکي لپاره پوښتنې راوړېږي چې په پاتې برخه کې ورته ځوابونه ورکول کېږي.

د مرکې کولو تخنیکونه:

په لومړي سر کې بايد د انځورونو په اړه د ليکلو د طرز په باره کې Writing The Pictures وغږېږو. مور بايد په پيل کې انځورونه چمتو کړو او وروسته متن Script وليکو. د دغه کار لپاره، د پانې پر مخ موازي کرښې وباسو او په اوږدو يې پر دوو نيمايي برخو وېشل شو: ښې خوا ته وييونه يا کلمات او کينې خوا ته انځورونه دي. د هرو دوو موازي کرښو تر منځ واټن د يوې ثانيې په توگه منل کېږي او په هره ثانيه کې بايد د انځورونو پر مخ د درېيو په اندازه وييونه وکاروو، د دغو دوو موازي کرښو تر منځ هم وييونه هم ليکو. تر هرو درې ثانيه يې درې برخو وروسته چې په هر يوه کې نهه ۹ وييونه ځای پر ځای شوي دي، د وينا يوه ټوټه يا Sound Bite هم په په کې ځايوو او په نورو راتلونکو برخو کې درې ثانيه يې برخې او Sound Bites يا د وينا ټوټې به هم لرو.

په يوه گزارش کې چمتو شوي برخې او جزئيات: ۱- لاس پورې کوونکی Establisher: يا هماغه د لومړي شات برخه ده چې د گزارش پيلوونکې برخه گڼل کېږي. ۲- شالغالی Background: د جزئياتو څېړونکې يا زياتوونکې Detailer: چې د گزارش يا پېښې په اړه نور جزئيات ليدونکي ته وړاندې کوي. ۳- د کېمري د انځور يوه ټوټه Camera Piece: چې په دې برخه کې خبريال د کېمري پر وړاندې په څرگندېدلو سره هغو څيزونو ته نغوته (اشاره) کوي چې په انځور کې يې ليدلې نشي. له طبيعي غږونو څخه په گزارش ورکولو کې گټه اخيستل له مهمو مسئلو څخه شمېرل کېږي. په ټلويزيوني ژورنالېزم کې يو بل کس هم ډېر مهم

دی چې Opener ورته وايي، دغه کس د گزارش د چمتو کولو ټولې خواوې او هډوانه څاروي. **عمومي قانون يا فارمول:** Simple & Short Kiss= Keep It ساده او لنډ يې وليکئ، مخکې اړ وو چې په رسمي توگه يې وليکو، خو اوس له گړنۍ ژبې او آن د کوڅې او جادې د سر ژبه رايجه شوي ده. پيليزه Introduction بايد په گزارش کې ځواکمنه وي، بايد داسې کار وکړو چې ليدونکي د ټلويزيون لوري ته مخ واړوي. پيليزه خبريال ليکي او توليدوونکي يا وياند ته يې ورکوي. د راتلونکيو برنامو او پروگرامونو د جوړولو Forward Planning لپاره د Intake Desk په نامه يوه څانگه شالغالی. تر ځواکمنې پيليزې وروسته د ځواکمن متن نوبت دی چې بډايه يا غني منځپانگه ولري

د گزارش په چمتو کولو کې بېلابېل پړاوونه شتون لري:
۱- د انځور اخيستني پر مهال Going

نور بيا



ضایعه، فرهنگی



فرهنگي دانسته براي خانم شان کاندید اکادمسين دکتور ساميه عبادي روشنگر و متباقي خانواده و دوستان مرحومي تسليت عرض داشته و براي مرحومي از بارگاه خداوند بهشت برين را استدعا مي دارند.

با تأسف فراوان اطلاع حاصل نموديم که عبدالفتاح روشنگر شخصيت متدين مستعد و سابقه دار فرهنگي کشور در ۲۶ عرق سال جاري داعيه اجل را اليک گفته و به رحمت الهي پيوست .

انا لله انا اليه راجعون

مرحوم عبدالفتاح در سال ۱۳۱۹ در شهر کابل ديده به جهان گشود و پس از پيمودن دوره کودکی و تحصيلات ابتدایه و عالی از لیسۀ غازي فارغ و شامل پو هنکی زبان و ادبیات بخش انگلیسي پوهنتون کابل شد سپس در بخش تلویزیون و تیاتر در ایالات متحده امریکا تحصيلات خویش را به اتمام رسانید.

مرحوم روشنگر از اوان نوجواني با راديو کابل وقت همکاری خویش را از برنامه اطفال آغاز و پس از چندي به حيث گویندهء موفق دري وانگلیسي تبارز نمود.

مرحومي از اولین کسانی بود که جهت کسب آموزش در بخش (برنامه سازی) عازم کشور جاپان شد و پس از مدتي در تلویزیون افغانستان مصروف تهیه و کارگردانی برنامه های تلویزیوني گردید. و همزمان گوینده گي، ترجمه و دوبلاژ فلم ها را نیز عهده دار بود. در وزارت اطلاعات و فرهنگ در پست های مهم کلیدی نیز انجام وظیفه نموده است. و در اکثریت کنفرانس های ملي و بین المللي اشتراك کرده . مدتي مدیر مسوول مجله (مسیر) بود هم چنان در وزارت احیا و انکشاف دهات و تلویزیون تعليمي و تربيتي به حيث مشاور ایفای وظیفه نموده است . رهبري راديو تلویزیون ملي افغانستان و کارمندان مدیریت مجله اواز مرگی نابهنگام عبدالفتاح روشنگر را ضایعهء جبران ناپذیر

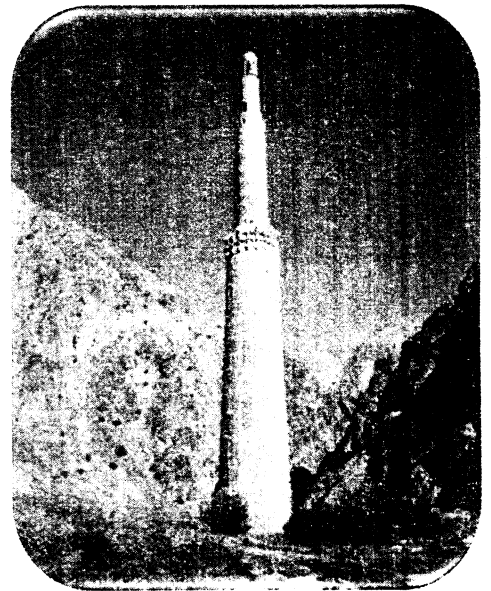
رویداد های فرهنگی

په څلورو کلونو کې درې زره تاریخي اثار رغول شوي دي په تېرو څلورو کلونو کې د افغانستان د اطلاعاتو فرهنگ وزارت د هیواد دري زره تاریخي اثار بیا رغولی دي.

د افغانستان د ملي موزیم ادارې په څلور کلنه موده کې دغه لرغوني اثار چې د افغانستان او نړۍ د تاریخ لپاره ډېر اهمیت لري، د یوه فرانسوي ماهر په مرسته بیا رغولی دي. په بیا رغول شویو اثارو کې د لرغوني افغانستان د نامتو امپراطور کنشکا مجسمې هم شاملې دي.

د افغانستان د ملي موزیم د مقاماتو په قول، د دغو اثارو د اصالت د ساتلو په خاطر د بیا رغول په وخت هڅه شوی ده چې له هماغو موادو استفاده وشي چې اثار ورته جوړ شوي وو.

دغه اکثره لرغوني اثار له زېرو، اهو، خټو، سرامیکو او فلزاتو څخه رغېدلي دي. د یادولو وړ ده چې د افغانستان تاریخي اثار یا د تنظیمي جگړو په وخت کې وړان وچاړ شول او یا طالبانو په وخت کې تباہ سول.





عبدالمنان حمیدی و حمید آرش ممثلین RTA



حمید الله وفا ممثل RTA



ولی فتح علی خان

الہیوم مہنری



احمد ولید



شکیب سوزان



شہزاد عدیل



حفیظہ دیویانی علی



امانی آوازخوان کشور

ره عقل

ره عقل جز بیج بر بیج نیست
 بر عارفان جز خدا هیچ نیست
 توان گفتن این با حقایق شناس
 ولی خرده گیرند اهل قیاس
 که پس آسمان و زمین چیستند؟
 بی اندام و دامن و دگر کیستند؟
 بسینده بریندی ای هوشمند
 که در آید جوابت پسند
 بیخ حقیقت دریا و کوه و فلک
 پای و سر و گردن و بیرو و ملک
 همه هرچه هستند از آن کمترند
 که با هستش نام هستی برنند
 عظیم است پیش تو دریا به موج
 بلندی خورشید تابان به اوج
 ولی اهل صورت کجای برنند
 که از لب معنی به ملکی درند
 که گویند افتاب است یک ذره نیست
 و گرفت دریاست یک قطر نیست
 چو سلطان عزت علم بیست
 همان سر به جیب عدم در کند

سعیدی

غزل

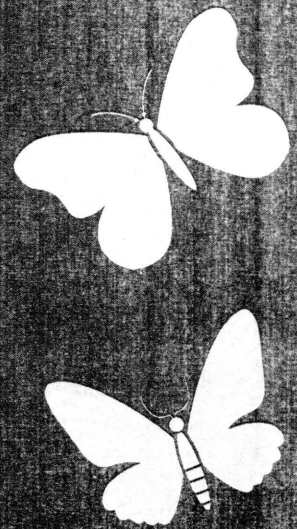
در آن سیاحت که عفت در دل بیچاره بستند
 صوری رفت و محنت آمد و هنگامه برهستند
 نه تنها من خرابم از دو چشم منظر
 خود از ترکش شلای تو اهوری منظر استند
 گلستان تاب حسداریت بنارند ای گلستان
 که گل باشد و مروارید باشد و غنچه همه باشد
 کما عشت و رانی منظر
 بیزار محبت بر منظر آورده
 ضمیر پاک میباید که از وی منظر
 کجا از شوره زاری گل شکسته منظر
 « روندی » بین تو تاثیر محبت را
 زلیخارنده گی از سرک رفتن را

گل محمد ژوندی

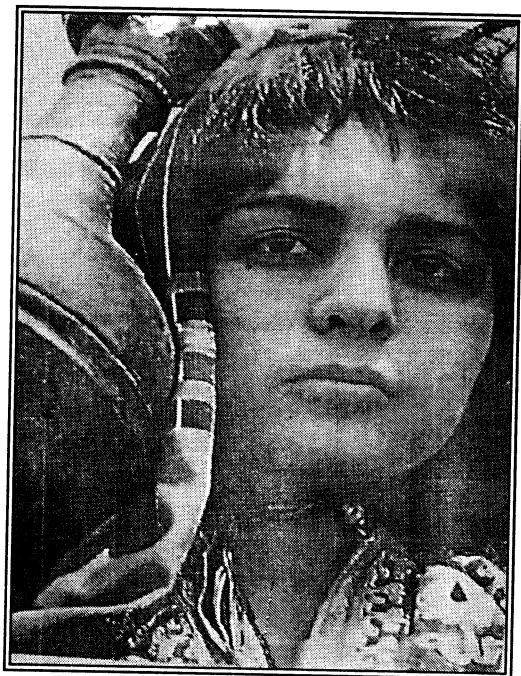
غزل

دعای بی فن وایی چی فنکار په فن کی پاته شی
 خای دخیالونو شی په شنه لمن کی پاته شی
 پنده می دهیلو ورم وروچی راته وگوری
 تولی ارزوگانی په لومری دیدن کی پاته شی
 شمعو موهم اوینکی بحسرت په خاورو توی نکری
 اولاهغه مره بو وچی په بل وطن کی پاته شی
 خدا یزده چی سیا لاراته خه گلان کرلی دی
 کاشکی دغه تولی بد مر غی په نن کی پاته شی
 مور چی بی په خونره بی دردی پسرلیه سوی یوو
 همومره به داغونه دزمان په تن کی پاته شی

محمد صدیق پسرلی



گوچی پیغله



ژوند دي په ژوندون كي كه ستومانه دی
 هر يودي ښکلا ته ديـــــر حيرانه دی
 څومره ساده گی كي څومره حسن پت
 خيال په تصور كي سر گردان دی
 ستا نظر كي پته مينه ځل وهي
 ځکه درقيب را سره وړانه دی
 ستا د ښکلا مثل بل څوک نه لري
 زره مي ځکه تور له دي جهانه دی
 ستا د ښايست خيال يي چي ميلمه نه شو
 هغه ژوند له ژونده پښيما نه دی
 ستاد زلفو ولونه وړانوي چي تل
 ځکه خو گيله له باد بارانه دی
 ته چي دژوند لاره كي ستومانـــــه يي
 فکر دحسیر دک له خفگانـــــه دی
 داغ که د غا تول سينه كي پاتي شو
 زره دياري هم شين له زمانه دی

تاج محمد ياري حسين

نسیم

می شنیدم از نسیم هر لحظه در باغ این سخن
 نیستم در قید رنگ و بو چو بلبل ای چمن
 مانع سپرم نه کوه و صحرا می شود
 می توان رفتن به یکدم از چمن درانجمن
 گر همیدانی ز پایم هیچ گاه سر بر متاب
 می برم بوی خورش را در مشام مردو زن
 فارغ از قید زمان و از مکان تنهامنم
 گاه اندر باغ می گتردم گهی اندر دمن
 رفتن بحالا و پائینم نشانت میدهد
 کاین فراز و این نشیب هیچ است اندر نزد من
 گل پاچاه الفت



دخت افغان



دخت افغان

نیست شوقی که زبان باز کنم، از چه بخوانم
 من که منفور زمانم، چه بخوانم چه نخوانم
 چه بگویم سخن از شهد، که زهر است به کام
 وای از مشت ستمگر که بکوبیده دهانم
 نیست غمخوار مرا در همه دنیا که بنازم
 چه بگریم، چه بخندم، چه بمیرم، چه بمانم
 من و این کنج اسارت، غم ناکامی و حسرت
 که عبث زاده‌ام و مهر بیاید به دهانم
 دانم ای دل که بهاران بود و موسم عشرت
 من پر بسته چه سازم که پریدن نتوانم
 گرچه دیری است خموشم، نرود نغمه زیادم
 زان که هر لحظه به نجوا سخن از دل برهانم
 یاد آن روز گرامی که قفس را بشگافم
 سر برون آرم از این عزلت و مستانه بخوانم
 من نه آن بید ضعیفم که زهر باد بلرزم
 دخت افغانم و برجاست که دایم به فغانم
 نادیه انجمن

«کن» کلمه بوله سرآغاز دجور یـدو
 شپیلی داسرافیل یی پیلامه دورا نیدو

گلونه راتوکپری دفطرت په کرونده کی
 لامل یی محال بر پینی منطقی بی وصلیدو

قانون دنفی، نفی په گرپوان کی راته وایی
 پنځه دی مکانونه دتمخای او اوسپدو

کاروان دژوند روان دی دبریننا پرپله منزل کا
 کوبیش بی خواب سوال دی، دبقا او پاییدو

دوستان دی نعمتونه غم، بنادی کی پکاریری
 تکل یی ضرور بولم دازمون اودپربدو

سر، خان کی جوهر بوله هوش، معنی، روح، عقل، توان
 جوریری په تدبیر پیری پلان دخلاصپدو

دایددی دکایناتونه مجال دوتونشته
 له غپردمادی مکره تکل دبپلپدو

دتن سیوری می بیل شوله تنی څخه تحریکه
 سره یی تور لوگی شوه دوصال او بیا لیدو

عزیز تحریک



موسیقی ترجمان احساسات



مماهیبه با نصیر عزیز ستار نواز جوان کشور

در این مدت توانستم تنبور را به صورت کامل بیاموزم و اولین بار به رادیو افغانستان نغمه محلی راباتنبور ثبت کردم و سپس پارچه های مختلفی را در آهنگ های آواز خوانان و فلمی (دکو خوسرگردان) را ترتیب و نواختم.

چه انگیزه باعث شد که از تنبور نوازی به ستار نوازی رجعت کردید؟

پدرم همیشه کست هاوسی دی های گوناگون ستار نوازان راهمه وقت در منزل می شنید و در مورد راک های نواخته شده معلومات می داد.

چه زمانی احساس علاقه به نواختن تنبور کردید معلومات دهید؟

در دوران کودکی گاه گاهی که پدرم (محمد رسول عزیز) تنبور مینواخت مقابلش می نشستم انگشتان و صدای زیبای موزیک تنبور رابه صدادمی آورد تعقیب میکردم، پدرم متوجه شد که در من استعداد نهفته آموزش تنبور موجود است. آهسته، آهسته آموزش تنبور را برایم آغاز کرد و دو سال هر روز به مدتی دو ساعت مسلسل تمرین میکردم

موسیقی برجسته ترین هنری است که به طوری مستقیم با مخاطب ارتباط برقرار می کند و احساسات را تحت تأثیر قرار می دهد.

نصیر عزیز یک تن از ستار نوازان مسلکی و موفق که بعد از سپری نمودن تحصیلات اکادمیک به کشور برگشت نمود و اداره مجله آواز گپ های در مورد دست آورد ستار نوازی با وی انجام داده است که پیشکش شما دوستان می گردد. نصیر عزیز از تشریف آوری تان تشکر لطف نموده در مورد اینکه

را به دیگران آموخته‌اند اید؟
- برای شش ماه در انستیتوت
موسیقی فارابی تدریس کردم
و در پوهنخی هنرهای پوهنتون
کابل و اکنون دوشاگرد دارم به نام
های بکتاش و خلی پکتا.

برای کسانی که علاقه‌مند یادگیری
ستار هستند چه گفتنی دارید؟
در مرحله اول بدانند که موسیقی
یعنی چه اساسات آنرا بیاموزند
استعداد، پشتکار و ریاضیت داشته
باشند و پارچه‌های موسیقی
پیشگامان این آله را بشنوند و شامل
کورس شوند.

چه گفتنی برای مقامات عرصه
موسیقی و هنر دارید؟

در شرایط کنونی برای هنرمندان
که در داخل کشور زنده‌گی دارند
توجه نشده به خصوص هنرمندان
که سالیان درازی در عرصه آواز
خوانی و نوازنده‌گی موهای خویش
را سفید کردند، در خانه‌های
فرسوده کرایه و در فقر تنگ
دستی قرار دارند، اما کسی نیست
که از آنان احوال پرسى کند، اما
زمانی که هنرمند فوت کند با صد
ها نام و نشان از ایشان یادمانی می
کنم. ما خودکش بیگانه پرست
هستیم معاش يك نوازنده خارجی
به هزارها دالر است ولی متأسفانه
که نوازنده معاش به خور نه
میرد. به هر صورت
خداوند(ج) در حق همه مابازان
رحمت خویش را بباراند.

تشکر از شما.

را بیشتر تحت تأثیر می‌آورد.
چه زمانی يك اثر جاویدانه و تأثیر
گذار می‌شود؟

وقتی موسیقی و یا آهنگی که
بدر نظر گرفتن معیار های که
موجود است با احساس نواخته
و خوانده شود لذتی آن بیشتر است.
زمانی که مینوازم گویی احساس
خوبی قطره قطره در دل و جان
فرومی چکید و میکوشد تا روح
را تصفیه کند و از مشکلات دنیای
برهاند، در عالمی مبهم وارد می
گندبه خاطر همین ابهام است که
موسیقی ستار ترجمان احساسات
می‌شود و قلب‌های افسرده
و ناتوان شنونده را بادل وارسته و
روح نوازنده برابر می‌کند و
احساس خوبی را به وجود می
آورد.

آیا در کنسرت‌های داخل و یا
خارج از کشور اشتراك نموده اید؟
در کنسرت تلویزیونی شبکه هفت
هند با برادر منیر عزیز (تبله
نواز) باسه راک ستار، تبله و فلوت
عین را کرابه نوبت می‌نواختم.

حاضرین محوشنیدن و دیدن بودند.
در اخیر استاد حسن علی خان یکدانه
ستار برایم هدیه داد. کشورهای
فرانسه، آلمان، تاجکستان،
ازبکستان، پاکستان و هالند از من
دعوت و کنسرت‌های را اجرا
کردیم. داخل کشور به ولایت
هرات و مزار شریف کنسرت‌های
را اجرا نموده‌ام.

- به چه پیمانانه از آموخته‌های تان

در من علاقه آموختن ستار مانند
صاعقه رونماگر دید و روز به
روز بیشتر می‌شد تا با استاد احسان
عرفان معرفت حاصل کردم،
و از ایشان تقاضا کردم تا در نواختن
و یادگیری ستار مرا یاری رساند.
مدتی سه سال نزد ایشان آموختم.
باروی کار آمدن حکومت طالبان
موسیقی و شنیدن آن حرام شناخته
شد. استاد عرفان هم مهاجر شد،
من مخفیانه سی دی‌های ستار را
در منزل می‌شنیدم و راگ‌های را
تمرین می‌کردم.

در مورد تحصیلات تان در کشور
پهناور هند و موسیقی (هند)
معلومات دهید؟

در سال ۲۰۰۶ با اخذ يك بورس
تحصیلی به کشور هند رفتم
و افتخار شش سالگی از استادان نام
آور ستار را کسب کردم. از تهاداب
نواختن ستار راگ‌های مختلف را
برایم تدریس نمود و تجربه‌های
زیادی را در دوره تحصیل
حاصل کردم.

به کدام نوع راگ علاقه دارید که
بنوازید تا شنونده را تحت تأثیر
قرار دهید؟

ستار آله مخصوص کلاسیک هندی
است و من بیشتر به راگ تکنوازی
علاقه‌مند و مینوازم و با استفاده و
کار برد از راگ‌های کلاسیک
شرقی و موزیک غربی نوعی
موزیک ستار به میان آورم که دل
پذیر تر و شنیدنی تر است. شنونده

د غږ چینه



انور وفا سمندر

شبهه څه غږونه او کلمات را اوروي؟
بنایي موږ له نابسادو غږونو او منفي
افکارو ډک شوي وو؛ خو دا مو پخپله
غوښتي.

دا چې نړۍ او خواوشا ماحول را ته تور
او له تورو غږونو ډک بریښي؛ دا توره
نقاشي موږ پخپله د خپل وجود دننه را
جوړه کړې. موږ د ځان ساتنه سمه نه ده
کړې.

موږ د غږونو او کلمو په یو ډک موسم
کې ورځ تېروو؛ خو یوازې موږ کاره
غږونه، ترڅې خبرې، کرکې، رڅې او

بدن زموږ لپاره یو پل دی. هغه څه چې
موږ یې نورو ته ورکوو یا یې له نورو
رااخلو، د همدغه پله له لارې ځي او
راځي. آیا دغه د بدن حساس ماشین،
دغه د راکړې او ورکړې پل موږ بڼه
څارلی؟!

هغه څه چې زموږ په خاطر وکې گډډې
را گډډې، هغه څه چې په ذهن او حافظه
کې لرو، هغه څه چې موږ ته بنادي
رابښي یا مو خوروي؛ ټول موږ په خپله
بدن ته ورکړي.

زموږ ذهن او د حافظې ماشین همدا

موږ یوازې همدا «اوس» ژوندي یو. «
پرون» مړ دی، « سبا » لا نشته،
یوازې « اوس » شته او زه اوسنی یم.

ژوند یعنې دا څه چې یو! زموږ هستي په
دغه بدن کې را ټوله ده، او دغه د بدن
ماشین لویه ورځ له طبیعت، له خواوشا
نړۍ، له خپلوانو، گاونډیانو، او نورو
وگړو سره د حواسو له لارې اړیکې
نیسي. یوڅه نورو ته ورکوي یا یوڅه
ورته اوروي، یوڅه له نورو را اخلي؛ خو
اوس څه نشته. زه دې همدې شپې
زوکړه یم.

وي، چې زموږ جلا رنگ ښکلا پيدا کړي!

کله چې د معنوي غوږېدنې هغه پړاو ته رسيږو، چې له نورو سره د وېرې، قهر او غرور پرځای په مينه چلند وکړو؛ نو د خدايي دکور په لور د ورگرځېدلو په لور مو ستر گام اوچت کړی.

کور مو برخليک دی

د ادب او کلام دوستانو!

موږ غږېږو؛ ځکه چې زړه غږېږي.
موږ غږېږو، ځکه چې زړونه مو کور يادوي.
موږ غږېږو، ځکه چې کور را نه پاتې دی،

کور مو برخليک دی.

موږ آسمانونه هېرکړی،

موږ په وچه کې لويديلی،

خپل ستر سمندر مو هېرکړی...

موږ غږېږو، غواړو خپل کور او سمندر را په ياد کړو.

غږېدل د کور ذکر کول دي؛

نو د غږ او رڼا د کاروان هم مزلو د نارو له همدې گامونو سره ستاسو خيالونه، احساسات او له نقاشيو ډک زړونه ښکلولم او خپلې سرې شونډې د غږ او رڼا پرېام خوشې کوم.

نور بيا...

لويو کيهانونو کې د خيال مزل پيلوو؛
چې خپل عاشقانه بخت تجربه کړو؛
چې د عشق، پوهې او آزادۍ د آسماني سرچينې په مينه ناکه غېږ کې خپل معنوي سفر پرمخ بوځو.

د هستۍ رنگين باغ

هر انسان تر هغه ډېر زوړ او پوخ عمری دی، چې له څېرې يې ښکاري.

انسان روح دی، او روح مخکې تر دې چې زمانه پيدا شي، و!

نو دغه ژوند د روح لپاره يو فصل دی.

روح له الله «ج» څخه راغلی. او له الله «ج» څخه ټول راغلي شيان نیک، سم او پرځای دي.

موږ بايد له يو بل سره د هغو رنگارنگ گلانو په شان چلند وکړو؛ چې په باغ کې يو بل ښايسته کوي.

گلان چې څومره رنگارنگ وي، ښه ښکاريږي؛ او بڼه يې ښکاري،

سرنوشت دادی چې هره الهي ذره په ابدي گل واوړي.

آيا موږ دا حق لرو، چې د هستۍ په دومره لوی باغ کې يوازې خپل رنگ ولمانځو.

يو رنگ څنگه ووينو، رنگونه بايد ډېر

سخت عاطفي دردونه، پخپله مرا پرې ايښي، چې زموږ آرامه شپه له چغې او دردونو را ډکه کړي.

زموږ عصبي نارامۍ، زموږ د تن دردونه، زموږ د زړه خفگان ځکه را منځته شوي، چې موږ د بدن د وتو او ننوتو دروازې ښې نه دي څارلي.

موږ هغه طلايي لمر، چې ټوله ورځ په چوږ اواز پر موږ اورېده او مينه يې راسره کوله؛ نه دی پرې ايښی، چې زړه ته مو را دننه شي.

موږ هغه مرغه چې د ونې له پاسه يې وړيا سندرې را ته ويله نه دی پرې ايښی، چې را دننه شي او زموږ زړه کې ځاله وکړي او اوس را ته تازه تازه سندرې وغږوي.

موږ هغه ماشوم چې بې مقصده يې را ته خنډل، په خپل زړه کې نه دی پرې ايښی...

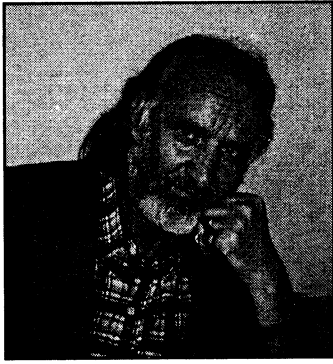
موږ ډېر ډېر څه نه دي پرې ايښي چې خيال، ذهن او حافظې ته مو راشي، نو دا د ذهن او حافظې سره شپه مو پخپله جوړه کړي.

که له دې سرې تېې د شپې سرې او چوپې غږې ته ننوځو، ښايي هوسا شو.

ښايي هغه غږونه د زړه په غوږونو واوړو، چې هېڅ خوله او هېڅ فزيکي اله يې نشي جوړولای.

هيله ده نن شپه يو ښه پيل وي.

موږ د خداي «ج» د نور او کلام په



عبدالمجید سیند

والای انسان را در مخمس عرفانی (جان خراباتم) به بسیار زیبایی بیان کرده و استاد سرآهنگ آنرا چنان نوای موسیقی تلفیق داده که نه تنها در کشور ما بلکه در هیچ کشوری نظیر ندارد. (گه عرش گهی کرسی گه نفیه اثباتم - گه مسجد و گه دیرم، گه کعبه و میخانم - خلص شنوای عارف، از رمز مقالاتم، بیجان شده ام صد جا، تاجان خراباتم، چون جان خراباتم جانان خراباتم- با تذکر اینکه کلمه (خرابات) لفظی است که در مفهوم ظاهری عبارت از جای عیاشی های بی پروا بوده و اما در معنی عرفانی عبارت از مقامیست که هرگاه فرد عارفی بدان فایز می گردد بسیاری عادت انسانی اش به ملکی مبدل شده، کم خور، کم گفت و کم خواب می شود زیرا، کم خوری صحت، کم گویی حکمت و کم خوابی عبادت است. تحلیل

تلفیق شعر بانوای موسیقی

در شکل موسیقی قوالی به گونه بسیار عالی به اجرا در آورده است که نه تنها در کشور ما بلکه در هیچ کشوری نظیر ندارد. حرکات زیبای آوازی، زمزمه های دلنشینی و تک بیت های موافق به مطلب اصلی مخمس به گونه زشتیها همه و همه گوشنواز آموزنده و روحپرور اند. ولی بادریغ و درد که زمانه ما جزاز هنرمندان انگشت شماری هنر، مشق، تمرین و ریاضت کشی ها را به خود را نمی دهند تا کوچه با غهای علم موسیقی را بلد شده و در انتخاب اشعار دقت بهتری را به خرچ داده اند تا سطح فرهنگ بالا ببرند هدف اساسی هنر تالطیف اذهان مردم است که تا خستگی های دماغی شانرا توسط دیدن و شنیدن هنرها دور سازد و هدف هنر واقعی هنرمندان پیام است و بس حضرت مستان شاه کابلی مقام

پیوست به گذشته کلمه فرهنگ (فر) و هنگ تشکیل شده که اولی به معنی شکوه و عظمت و دومی به معنی صدا و آهنگ می باشد در بین مجامع بشری فرهنگ های مختلف حضور دارند که نمایانگر علم و ادب، معرفت، تعلیم تربیت و آثار علمی و ادبی یک ملت است و موسیقی جزاز فرهنگ است بنا" در گزیدن شعر، کمپوز و میلودی موسیقی دقیق و توجه صورت گیرد.

در شعر حضرت مستان شاه کابلی (رح) در مخمس (جان خرابات) مقام والای انسان عارف یعنی انسانی را که همه زنده گانی اش را در شناخت معبودش سپری نموده است بیان داشته و استاد محمد حسین سرآهنگ این مخمس زیبایی عرفانی را در راگ (ماند) که در کشور ما به نام (آسا) نام گذاری شده

حاصل پیامهای شادی ها و زیباییها می باشد.

فرهاد دریا هنرمندیست و افعا دریایی وسیع. وی در آغاز کارهای هنری اش از نوع موسیقی کلاسیک پخته آغازید و تا ایندم موفقانه به پیش رفته و می سراید (های بایک تن اتن کی می شود؟ این وطن بی ما وطن کی می شود، پیش از این دگر مرا مزن. میزنی بزن، سخن بزن) این است آهنگ و سایر آهنگ های فرهاد دریا و افعا" صغیر صلح اند.

توقع هنرمندان جوان ما مانند هنرمندان سایر کشور ها در نخست بیا موزند و بعد از مشق و تمرین به مردم شان ارایه دهند

عاطفه، عشق، عرفان و مشوق کار کوشش و میهن دوستی بوده تا آنجا که هنرمندان شوروی وقت در هنگام سلطه شان خواندند که (ای دآزادی خاوری، تا ته موسلام دی - ای دنیکمرغی خاوری، تاته موسلام دی). این آهنگ بسیار زیبا در راگ (ایمن کلیان) که در سیستم نوتیشن غربی آنرا (ماژور) می نامند ساخته و اجرا شده است. به همین گونه آهنگ های استاد اولمیر، استاد ایوب، استاد گل زمان، استاد شاه ولی، منگل، قمر گل و سایر هنرمندان بخش موسیقی پشتو، همه همه گوشنواز روح پروراند.

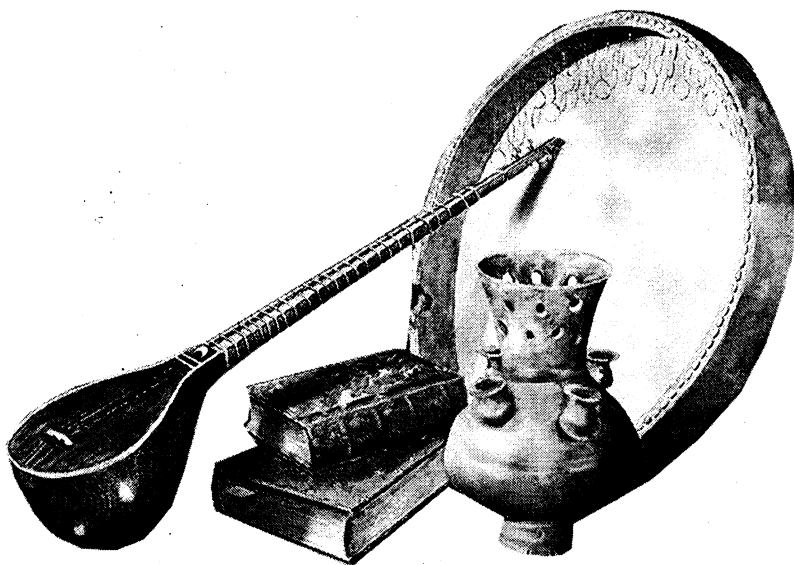
امیر جان صبوری یکی دیگر از رسالتمندان است که آهنگ هایش

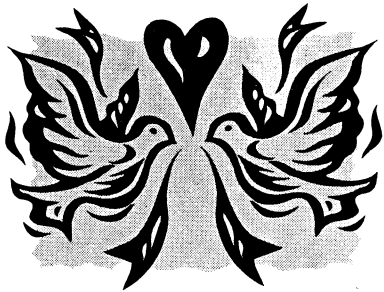
مکمل مخمس محبت جداگانه به کار دارد. می خواهم از ملودی ها و یا سر هایکه استاد سر آهنگ با آن تلفیق داده است مختصراً " بگویم راگ، ماند، یا آسا از تهایت بیلول به، جود آمده و رفت و آمدان (کر یعنی عقب و جلو می باشد).

هنرمندان رسالت مند:

به همین سان، احمد ظاهر نیز یکی از موفقترین هاست که اشعار مولانا حافظ، سعدی و سایر شعرا را با صدای زیبایش ممزوج کرده و آثار زیبایی را از خود بجا گذاشته است. آهنگ های (ای پادشاه خوبان) در راگ (درباری) که از تهایت (آساور) است ساخته و ادا شده است. آهنگ (پوشیده چون جان میروی) در راگ (کهروانی) که از تهایت کافی) به بسیار زیبایی به اجرا در آورده شده و آهنگ (ای که از کلک هند: نقش دل انگیز خدایی) در چوکات راگ (پیلو) خوانده شده که هر کدام آنها و در مجموع تمام آهنگها فقید احمد ظاهر خارج از چوکات راگها و راگنی های نمی باشند.

به همین گونه آهنگ های داکتر صادق فطرت (ناشناس) هر یک حاصل پیامهای محبت آمیز،





ورکه نفمه

پروین مال

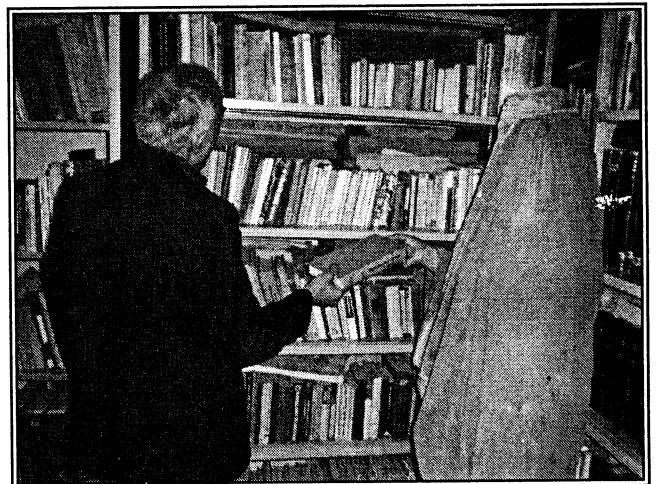
واخلي . هغه ددې لارې خپل دژوند اړتياوې پوره کولې. سهار وختي به راتلې د کتابونو لرگین صندوق به یې دنیزډې دوکان څخه راخیستی، کتابونه به یې څېني رااخیستل او په پل لارې باندې به یې په خاص ترتیب سره ایښودل، دیني، تصوفی، ادبي او دښوونځیو اولیسودلو ست کتابونه لکه دقرآن مجید ډول ډول نسخې، دیوسف زلیخا منظومه، درحمان بابا دیوان، داستاد بینوا اوسني لیکوال ، دعلامه حبیبی تاریخ افغانستان قبل از اسلام ، رشیدالبیان، پنج کتاب، شمس تبریزی کلیات نور او نور. دهغه رانیوونکي ټول دپاخه عمر خاوندان وو. داسې لږ پېښېدل، چې خاوانان دې دهغه نه دکوم کتاب په باب پوښتنه وکړي . په دغه ورځ دنورو ورځو په شان هغه کتابونه ته ناست ووچې په نسواري چادری کې پېچلې یوه نجلۍ دهغه مخ ته ودریده اودیوه کتاب په باب یې وپوښتل . دنجلۍ ږغ دومره تاثیر درلود چې دصوفي دروني حالت ته یې په لومړي ځل ټکان ورکړ او په ډیرې اړخپایې یې خواب ورکړې ... څه...؟ څه... مو وویل؟

دیولسم ټولگي تاریخ لري؟

اوس خوراسره نشته خو که ستاسې ضروري په کاروي درته پیدا کولای یې شم. ښه نو بیا زه سبا احوال اخلم. نه سبا نه بل سبا... ښه دي ته سبا راشه . نجلۍ روانه شوه او دصوفي چې ځان ته پام شونوزره یې داسې درېې کاوه چې دهغه ږغ یې پخپلو غوږونو اوریدې په احساساتو کې یې یو ډول بدلون احساساوه، خپله هم نه پوهیده چې دنجلۍ په جواب کې یې وروستی جملې څنگه اداکړې وې. همدا اوس دهغه په ټول وجود باندې دهغې ږغ خپوروو..... ښه نو بیا..... زه سبا احوال اخلم..... ښه نو بیا زه..... دبازار شور خپل اوج ته رسیدلې وو، دخلکو گڼه گڼه دښوونځیو

دقندهار دښار هرات بازار شپږویشته اوویشته کلونه وړاندې له ډېره شوره ډک وو دبازار په یوه غاړه دنیمایي څخه نیولې ترچارسو پورې د ډول ډول راډیوگانو، ټیپونو او کیستونو دکانونه غزیدلي ووچې درانیونکو دپاره به دهر دکان کې ټیپونه په لور ږغ ږغیدل چې کله به کوم نوی کسیت چې په زړه پورې به وو، نوي بازار ته راوتلی وو نو په هر دکان کې به هم هغه ږغیده . کله کله به دبازار دشور په سندرو، زورور شو د دې ټولور غونه به یو داسې زور جوړ شو چې په غوږونو به بل ډول لگیده .

دبازار بلې غاړې ته دبازار دنیمایي څخه نېولې تر چارسو پورې دبازار انود دوکانو نو مخ ته په پل لارې باندې دمنځني عمر خاوند چې کونډۍ توره ږیره یې وه او هروخت به یې سپینې جامې په تن وې دڅو کتابونوسره کښیناستې . نه پوهیږم چې نوم به یې څه وو خو خلکو ورته صوفي وایه . صوفي به هرې خواته تر لیرولیرو پورې کتل اودې به یې څاروو چې څوک راشي اوکوم کتاب ترې



اولیسود هلکانو اونجو نو بهیرونه چی خپلو کورونو ته ستیدل دنقلیه وسیلوهار نونه د ډول ډول کیستونو رغونه چې په لوریزغ رغیدل اوپه دی ټولو رغونکو هغه ورینمین رغ چې په نابللی ډول همدا اوس اوس دصوفي په رگونوکی خپورشوی وواودهغه زره دتویونو په سراوتال کی سندریز کیدی دحواسو دلاری یی دکستونوسندرو سره گډیدی.

نن به شپه زما دیار په کوم مکان وي

با پیراهن یاسمنی چادر ماشی

باز آمدی ای دلبر من مانده نه باشی

یاره نن می اوریدلی دلایلا دینگر وشرنگ دی.

جنگ تو صلح و صلح تو جنگ است....

او داسی نورې سندري په تېرو وختونوکی همدغه سندرو ته حتی دهغه پام نه و او بنتی خونن خبره بل ډول وه هو!

نن یو نابللی احساس یوې نابللی مېنی هغه پخپلو وحشی خپو کی اخیستی وواوپه هغه یی دماشو مانو په لاسونو کی

د ناوکی په شان لوبی کولی. نن یی قضا ماسپینین لاخل کتابونه ټول کره او دقتدهار دارگ بازار په لورې روان شو.

کتابونوپه لویو دکانونو کی تریاره ما بنامه وگرزیده ډیره پلټنه یی وکره ترڅو چې بریالی شو او کتاب یی ومونده. د

ومره خویش وولکه چاچې دکلونوکلو نوورکه میندلی وي. کله چې سبا سهار دنورو ورځوپه شان دبازار خواته

ورروانیدی نو په پښوکی یی داسی توان ومونده چې هیڅکله یی احساس کړی نه وو. کتاب یی په تېرباندې

داسی نیولی وو لکه ماشوم چې څوک دزیاتې مېنی نه ټینگ په غېږ کی نیسي. په لارداسی روان وولکه اوبه

چې مخ په بنکته روانې وي. اوداسی لکه دهواڅپي سپکی اوپه زره پورې وی چې بازار ته راورسیدی دپخوا په

شان یی دنبردې دوکان څخه دخپلو کتابونو صندوق راوخیست. کتابونه یی خپنی راوايستل اوپه ترتیب یی په

مخکه قطار کینودل او خپله یی مخی ته کینبناست تر غرمی پورې دخایه ونه بنوریده، دا بېره ورسره وه نه

چې هغه راشي اودی په خایي نه وي.

داننتظار شېبې دبازاردشور سره یو خایي کیدی او دصوفي داحساساتو سره یی لو بی کولی دهغه پام په یو ټکي کی

نغبنی ووجی دهغی سندریز رغ به یی کله غورونوته راخي؟ اوکله به بیاد ده احساسات دهغی درغ دسراوتال

سره څپي څپي کیري؟ صوفي تردې وخته دهغی په باب هیڅ نه پوهیده.

څوک ده؟ دکومی راخي؟ نوم یی څه دی؟... نور اونور

هغه یی یوازي رغ اوریدلی وواودهغی په رغ پسې لیونی وواود یوه داسی کیفیت په ټال زنگیده چې پخپل ټول

ژوندکی یی احساس کړی نه وو. د عمر څلویښت یا دڅلویښتونه هم زیات کلونه یی تېر کړي وو، دماشو توبه

دتنکی خوانی تربریده او تراوسه چې د منځني عمر خاوندوو، دواده دلومرنیوشپورنگینی یی هم تېرې

کړي وي خو هیڅکله یی په احساساتو دغه ډول طوفان منگولی نه وي لگولی، یو ډول نا کراري، یو ډول درد اویو

خاص ډول تنده یی پخپل ټول وجود کی احساسوله، یوه داسی تنده چې دسړي وجود دسرتر قدمه خوروي، یوه

داسی تنده چې اصلا" بیانیدای نه شي.

پخه غرمه وه چې یو چا دده په لوري قدمونه را کاپه کړه صوفي تراوسه هغه یو ځل لیدلی وه او ددی منل ورته گران وه چې دابه هم هغه پرونی نجلی وي کنه؟

چې هغی ورباندې رغ کړ:

کتاب موراته پیدا کړ؟

هو ولی نه... ولی نه، صوفي نور څه ونه ویلای شو کتاب یی د قط شوي پتو دلایي څخه راوايست اونجلی ته

یی وړاندې کړ. نجلی د نسواري چادري دمخ پوتې څخه سپین تنکی لاس راوغاوه او کتاب یی خپنی واخیست.

بیه یی څوده؟ نجلی وپوښتل.

بیه نه لري، که ستا خویش دی بس ستا شو.

زما خویش- خویش دی.

لومړی ځل دی چې زما څخه کتاب اخلی، داخل یی همداسی واخله بل ځل به بیا گورو.

تاسو به حمتا" ډبل چا څخه په بیه اخیستی وي.

نه ما په بیه نه دی اخیستی ما پخپلو کتابونوکی چې په کورکی راسره دي پیدا کړ. نجلی ډېر اصرار وکړ خو

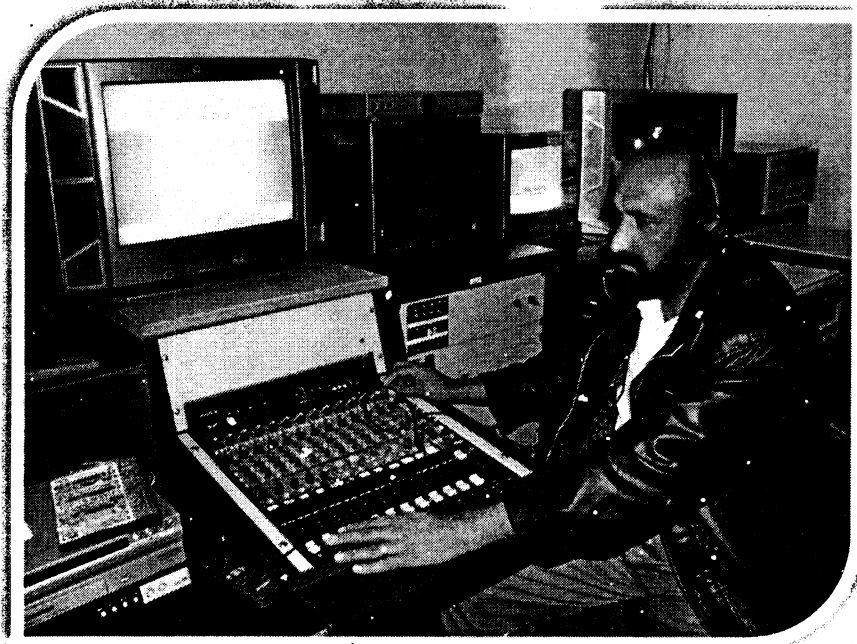
صوفي پخپله خبره ټینگ ولاړ وو، یا... یا... نه یی اخلم.

نجلی ته خان بد بنکاره شو چې کتاب همداسی واخلي دا ټکل دمخي یی یوڅو افغانی دهغه مخ ته په یوه کتاب

کینودلی اوورانه شوه. ده ته یی دنورو خبرو موقع ورنه کړه. دسترگوپه رپ کی پناه شوه اودبازار په هجوم کی

داسی ورکه شوه چې ټابه ویل اصلا" راغلي نه وه.

تلویزیون ولایت پروان



رادیو تلویزیون یکی از اثرگذارترین رسانه‌های شنوایی و بینایی ثابت گردیده است که رسالت ارزنده‌ای در پیشبرد اهداف جامعه دارد. رسانه تلویزیون می‌تواند نقش به‌سزایی در بالابردن سطح دانش تفکر و فرهنگ افراد خانواده و به دنبال آن در جامعه داشته باشد. ویابر عکس بابرنامه‌های مبتذل درک و فهم افراد در سطح پائین نگاه دارد. تعیین میزان موفقیت یک برنامه تلویزیونی در تاثیرگذاری مثبت بر مخاطبانش از لحاظ کمی کیفی و عملی است. بنابراین نقش نشرات محلی بساعده و مهم در اثرگذاری آن برای مخاطبان است بنا "توجه بیشتری در این زمینه صورت گیرد. مجله آواز صفحه

تلویزیون از بخش‌های تکنیکی، نشراتی و اداری تشکیل گردید. که اولین رییس نشرات آن عبدالوکیل بیان، مسوول تکنیکی آن انجینیر صابر فهمیم، مسوول اداری میرقاسم آغا و بخش نشرات را گوهر خان ظفری پیش می‌برند.

تلویزیون ولایت از همان آغاز تا اکنون به سیستم انالوگ نشرات داشته. از عمر نشراتی که بیشتر از یک دهه می‌گذرد وسایل آن

رابه معرفی شناسایی و کارکردهای نشراتی تلویزیون‌های محلی اختصاص داده است که اینک تلویزیون ولایت پروان را به طور مختصر به معرفی می‌گیریم! تلویزیون ولایت پروان از جمله تلویزیون‌های محلی بوده در سال ۱۳۷۲ خورشیدی به نام (تلویزیون بشارت) به ابتکار قهرمان ملی احمد شاه مسعود و به کمک وزارت اطلاعات و فرهنگ تاسیس شد. در آغاز نشرات این



استهلاک و اکتون مسولین تلویزیون به مشکلات تخنیکي و نشراتی مواجه اند طاقت دستگاه فرستنده تلویزیون ولایت پروان ۲۰۰ وات بوده که ساحه پوشش نشراتی آن تا ولایت کاپیسا بوده و هم در ولایت پروان و لسوالی های جبل السراج، سید خیل، شهرک گلپهار را تحت پوشش دارد.

نشرات تلویزیون ولایت پروان ساعت ۴ عصر آغاز گردیده تا ساعت ۱۰ شب نشرات دارد.

تلویزیون ولایت پروان ساعت ۷/۳۰ شام اخبار و بعضی از گزارشات تلویزیون مرکزی را بخش می نماید.

برنامه هایکه تلویزیون پروان از طریق نشرات شش ساعته خود ارائه میدارد: شما و تلویزیون، موسیقی و خاطره ها، دنیای جوانان، ورزش، معارف اسلامی، زن و جامعه، پولیس، خدمتگاران مردم، آموزش



کمپیوتر، اخبار محلی، اخبار مرکزی، گزارشات شهری است نشرات تلویزیون ولایت پروان به سیستم بسیار ابتدایی بوده و هم کمره های آن استهلاک شده است و از اثر استفاده زیاد تصویر خوبتر اریه نمی کنند. حتی گاه گاهی تلویزیون ولایت پروان از کمره های V.H.C و ویدوها استفاده می شود که خلاف نورم و استاندارد می باشد. زیر امیدانیم که در جهان سیستم نشرات دیجیتالی بوده سیستم انالوگ در سطح جهانی از بین رفته نمیتواند استاندارد جهانی و آنچه معمول است نشرات بدهد، که در این باره توجه ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی و مقام

وزارت اطلاعات و فرهنگ را خواهانیم و هم چنان کارمندان تلویزیون ولایت پروان آموزش های مسلکی نه دیده اند از دست اندرکاران و مسولین تلویزیون مرکز آرزو دارند که با ایجاد کورس های مسلکی آنها را یاری نمایند.

تعمیر تلویزیون ولایت پروان کرائی است منتاژ آن به استاندارد نمی باشد. تلویزیون ولایت پروان طی تماس های باتیم بازسازی ولایتی و مسؤلین وزارت اطلاعات و فرهنگ مشکلات خود را اریه داشته اند تا در زمینه حل مشکلات گام های عملی برداشته شود.

انیمیشن تلویزیونی

چگونه ساخته می شود ؟

پدیده به گذشته

پانتومیم:

پانتومیم به پنج دسته تقسیم میشود.

۱- مایم فیگوراتیو

۲- مایم تشریحی

۳- مایم کاربردی

۴- مایم عروسکی به دو دسته تقسیم میشود: الف: عروسک کوکی ب: خیمه شب بازی

۵- مایم ماشینی یا رباتیک

بازیگری در تمام جنبه‌های آن در یک کلام خلاصه میشود و آن کنترل است: کنترل حس، کنترل بدن، کنترل کلام. به کسی بازیگر می‌گوئیم که این عناصر را دارا باشد و بتواند آن‌ها را کنترل کند

۱- مایم فیگوراتیو:

یک کنترل یا تنظیم بدن در اشکال مختلف و متفاوت برای زمان‌های متفاوت. گاهی فیگور در حد چند ثانیه یا حتی چند دقیقه است که در همان حال بماند. فیگور یا ژست حالتی است که نباید دارای معنا باشد و مخاطب باید بتواند از او مفهومی دریافت کند. با کنترل بدن و تعادل بر اساس تنفس بوجود می‌آید.

۲- مایم تشریحی:

یک موقعیت توصیف میشود. این ساخت موقعیت در "مایم" با ساخت موقعیت در تئاتر کاملاً متفاوت است. یکی از ویژگی‌های پانتومیم بدون متن بودن آن است و یک طرح پانتومیم حداقل یک جمله است.

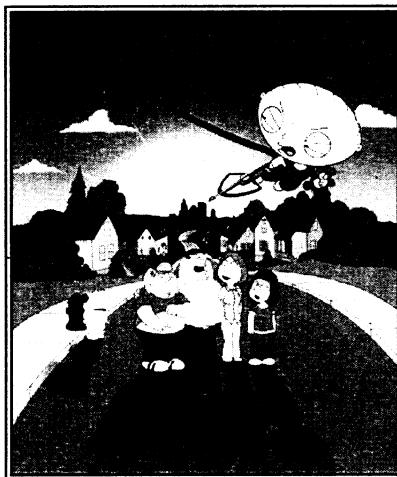
"مارسل مارسو" می‌گوید: "تمام متن یک پانتومیم در حد سه یا چهار کلمه است مثل، بیت به رستوران میرود." متن‌هایی که برای جلوه "ایما" می‌نویسند فقط خلق یا گفتن یک موقعیت است زندگی شخصیت از نقطه (A) تا نقطه (B) کل زندگی نیست بلکه برشی فقط بین A و B است.

۳- مایم کاربردی:

در این نوع مایم از دو ایماگر دیگر به بالا استفاده می‌شود که "ایماگر اصلی" را یاری می‌کنند و میتوانند جنبه اشیا، صخره، ... باشند.

۴- مایم عروسکی:

مایم عروسکی به دو دسته: الف - عروسک کوکی ب - عروسک خیمه شب بازی تقسیم میشود. در مایم عروسکی با مایم غیر عروسکی تفاوت عمده دارد و آن اینکه، در مایم عروسکی مفاصل بدن به شش مفصل تقلیل پیدا می‌کند



۱- مفصل گردن

۲- مفصل دو دست

۳- مفصل دو پا

۴- مفصل کمر

که مجموعاً شش می‌شود. در مایم عروسکی حرکت افقی و عمودی باهم سطح یا باهم یکی شدن در مایم عروسکی کوکی، حرکات کاملاً شکسته، تعداد مفاصل شش، حرکات متصل است.

در مایم عروسک خیمه شب بازی، تعداد مفاصل شش، حرکات منقطع است و حرکات کاملاً شکسته نیست.

۵- مایم ماشینی یا آدم آهنی یا رباتیک: ترکیب محورهای حرکتی وجود ندارد.

حرکات افقی و عمودی باهم یکی نمی‌شود یعنی، تعداد مفاصل زیادتر است اما، دیگر نرمش حرکتی عروسکی در آن وجود ندارد.

سوال: فرق ایماگر با بازیگر چیست؟

جواب: بازیگران موفق ایماگرند.

ژان لونی مالرو "می‌گوید کسی که ایماگر است میتواند بازیگر باشد اما در بازیگری ایماگری وجود ندارد.

سوال: در بازی در سکوت‌های

بازیگر تئاتر چه؟

جواب: در بازی در سکوت یک بازیگر تئاتر او با گردن به بالا حرف می‌زند اما، در ایماگری تمام بدن حرف می‌زند.

تفاوت‌های بازیگر و ایماگر:

در بازیگری: بازیگر به عمق نقش میرود و بر اساس تحلیل کار می‌کند. زمانی که بازیگر کار میکند کار

میموکولوژی "علم شناخت " مايم " است و برد و اصل استوار است
1- اصل تقدم حس بر حرکت
2- ترتیب و توالی حرکات
اینها را کمی باز کنیم . در اصل تقدم حس بر حرکت : اینگونه است که ،
ایماگر در کوتاه ترین زمان ممکن آن حس را در خودش پیدا کند بعد عمل می کند چون ، بدن شکل میگیرد . بدانید که هیچگاه حرکت بر حس مقدم نیست .

در اصل ترتیب و توالی حرکات : اینگونه است که ، حرکات به لحاظ رابطه پیش افتادگی و رابطه تأخیری برخوردار هستند چون ، منطقی عملی بر آن حاکم است . مثلاً رانندگی
۱- بازکردن در خودرو ۲- قرار دادن داخل خودرو ۳- قرار دادن سوییچ ۴- کشیدن ترمز دستی ۵- عوض کردن دنده .

که رابطه پیش افتادگی و تا رابطه تأخیری را به دنبال دارد . حال فرض کنید جای دو تا از اینها عوض شود آن وقت است که فاجعه اتفاق می افتد . "چارلز اوبرت " در کتاب " داناتا پانومايم " (هنر پانتوميم) حرکات و حرکتهای نمایشی را به پنج دسته تقسیم می کند او می گوید : " هر حرکتی که در صحنه انجام دهد بر پنج دسته است و ابتدا " ایماگر " باید نوع حرکت را برای آن کار پیدا کند مثال : عبور نابینا از خیابان .

ادامه دارد...



چیست ؟

سه موضوع را باید ایماگر به تماشاگر انتقال دهد :

۱- شخصیت ۲- موقعیت ۳- احساسات و عواطف

این سه در کوتاه ترین زمان ممکن باید انجام گیرد . در تیاتر زمان حدوداً 45 دقیقه است اما در ایما ، حداکثر زمان بین ۵ تا ۱۰ دقیقه است و منضاف بر اینکه هر سه را باید انتقال دهد .

در بازیگری تیاتر ، بازیگر لایه های مختلفی از يك شخصیت را در طول نمایش به تماشاگر منتقل و ارائه میدهد اما ، در ایما با همان برخورد اول باید کاراکتر با تماشاگر ارتباط برقرار کند . ارتباط چگونه اتفاق می افتد ؟

۱- ژست ۲- موقعیت ۳- احساسات و عواطف

ژست : در ژستها باید دقت کرد مثلاً : شانه های افتاده ، و یا يك لبخند بزرگ روی لبها .

موقعیت : این موقعیت را توسط دستها ایماگر می سازد با این تفاوت که دست ما در چه موقعیتی قرار گیر بلند کردن انگشت رو به بالا یعنی اجازه .

بلند کردن انگشت به سمت جلو یعنی اشاره .

انگشتها بسته شست به سمت بالا یعنی پیروزی ، موفق باشی .

انگشتها بسته شست به سمت پائین یعنی مرگ ، خلاصش کن .

پس به وسیله همین يك دست و همان يك ژست تا حالا ایماگر پنج قرارداد را با تماشاگر برقرار می کند .

احساسات و عواطف : که با میمیک و اکسپرسیون چهره نمایش میدهد .

گفتیم که در يك جلوه ایمائی یا پانتوميم سه موضوع به تماشاگر می شود .

۱- شخصیت ۲- موقعیت ۳- عواطف و احساسات علمی وجود دارد به نام "

آواز شروع تا آخر بازی مستمر است . در ایماگری : بازی فرمال و ژستورال است .

بازی منقطع است .

گريم سفید و خنثی است .

بازی منقطع یعنی چه ؟ در این بازی سه حالت به وجود می آید :

1- ورود به نقش ۲- خروج از نقش و بازی خنثی ۳- ورود به نقش بعدی .

این حالت شبیه تکنیک برشت یعنی فاصله گذاری که مجموعه خطوط عمودی و افقی با هم اجرا میشوند اما ، با این تفاوت که در شیوه برشت سه حالت اینگونه است :

۱- ورود به نقش ۲- خروج از نقش ۳- بازگشت به نقش .

در شیوه ایمائی زمان ۵ دقیقه است و بازیگر شاید ۲ نقش را بخواهد انجام دهد کودک و پیرمرد اگر بین این دو

ایماگر از نقش بیرون نیاید و بازی خنثی انجام نگیرد تماشاگر فکر خواهد کرد او همان کودک است که پیر شده . و به

همین دلیل مهم است در مورد گريم در پانتوميم سفید و خنثی است چون قرار است ایماگر نقشهای مختلف را ایفا کند .

پس چهره خنثی باید داشته باشد .

سوال : چرا گريم در ایما سفید است ؟

جواب : چون رنگ سفید میل به گسترش دارد و چون ایماگر با عضله

های صورت نیز صحبت می کند باید این حالت دیده شود ، مخصوصاً در

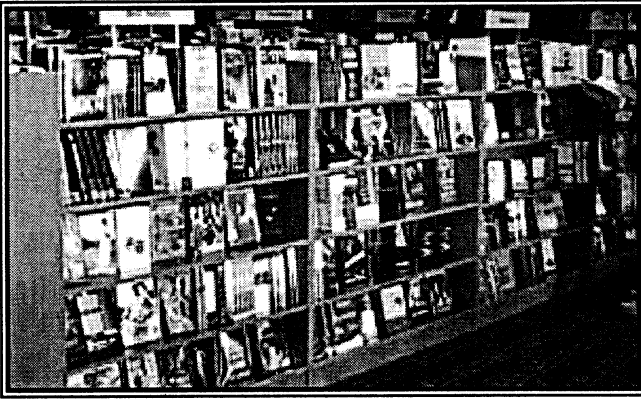
کارهای کلاسیک حتماً باید به کار گرفته شود اما در ایماگری مدرن همین سفیدی هم وجود ندارد .

در جامعه تیاتری ما مردم ، حتی با برقراري کلام هم مشکل دارند چه برسد

به اینکه کلام را هم برداریم پس ببینید

چقدر کار برای ایماگر سخت تر میشود چگونه او این ارتباط را برقرار کند ؟

راههای انتقال به تماشاگر توسط ایماگر



هو! ولي يې نه لرم په کور کې را سره شته ته سپاراشه .
که ستا سو سره وی نوزه به حتما" سبا راشم که نه وي بل
خايې به يې وگورم .

نه ته تر سبا پوري صبرو کړه، زه يې درته راوړم .
بقه ده نوزه به سبا ته راشم .

کله چې صوفي سبا سهار دکورڅخه در او تلوپه تکل
شونودهرڅه لومړي يې کتاب راواخيست اودبازار په
لوري روان شو. دسهارني لمرژرو ورا تگو د بازار په
ځينو گوتونو کې خپلې ځانگې خوري کړې وي او
دکانونه يوپه بل پسې خلاصېدل. دنقلبه وسيلو شمېرهم
زياتيدل او دراتلونکو لارويانو درغونوسره گډيدل، ورو
ورو ورځ غرمې ته لنډه شوه. بڼونوځيو اوليسونه درخصت
شويو هلکانو او نجونو بهيرونه راپيل شو چې دهرات
دروازې څخه دچارسوپه لوري تلل. مخ لوځونجونوټول
بازار په تورو کميسونو اوسپين پرونوتور اوسپين کړل. پټ
مخې نجونې چې په پل اخيستلو کې به يې دچادري دمخ
پوتې لاندينې برخې څخه توري جامې بسکاره کيدلې.
دصوفي ټول پام دپټ مخو نجونو په دلووچې که يوه به
ددوی دسپله رابېله شي اودده په لوري به راشي اوبياچې
کله دده پام شي نونجلی راغلي اوببرته تللي وه خصوصي
اوس هم په يوه داسې حالت کې ناست ووچې چا به ويل
اوس هم چاته لاري څاري ، لېرې او سترې لاري....

دقندهار دبنار او بازارنو حالت بدل شوي وو اوس هرات
بازار دشور په هغه ټال کې نه زنگيده ،گنه گونه هم مخ
په لريږدو وه. هرورځ به نامالوم لورته کډې تللي، هيڅوک
نه پوهيده چې څه به کيږي . دبنار په شاوخواکې په دولتي
ځواکونودجنگيالو مجاهدينو بريدونه پيل شوي وه او کله

ورکه نغمه

صوفي چې پېسې دخپلونوروپيسوڅخه بيلې دصدري په
پاسني جيب کې ايښودلې نوداسې يې احساس وکړلکه زړه
ته يې چې څه ورغلي وي اودده پټ درڅخه تسکين
پري ميندلی وي.

ورځې تېرېدې په اونيو اوښتې او اونی په مياشتوڅو هغه
بيارابنکاره نه شوه. دصوفي دزړه ناکراري، ديوي ورځې
نه بلې ورځې ته زياتيدله ،يوې هېلې يې زړه په منگولوکې
رايسارکړې ووچې که يووارييا راشي اودې يوځل بيا
دهغې سنډر رغ پخپل ټول توان اوټول وجود واورې
اودخپل ذهن په پانوکې يې دتل دپاره ثبت کړي.

خود وخت په تېرېدو سره يې ناهيلې زياتيدله اوداسې ورته
بنکاريده لکه داسې ورځ چې هغه به راځي اصلا" دده
دنتقدیر په دفترکې ليکلې شوی نه وي سترگو يې هغې
خواته چې نجلی باندي راتله لاري جوړې کړې اود زړه
ناکراري يې اوج ته راسيده چې کومه بنځه يا نجلی به يې
په نسواري چادري کې وليدل نو ترهغو به يې ورته کتل
ترڅوچې به پناه کيده ،دهغې درغ دهيرولو هانديې
کاوه،خونه يې، شوای هيرولاي ،عجيبه کيفيت دی که
انسان غواړي يوڅه ته درسيدومقصدي سرته نه رسيري
نودمحرومت وري ليوان يې په حواسومنگولي لگوي
اوترڅوچې وس يې رسي هغومره يې خوروي.

صوفي هم په دغسې يو حالت کې اوسيده، دخورحالت،
ديوه داسې انتظارحالت چې په نا څرگند ډول وي، ديوي
نامالومي مودې تېرول لکه څوک چې ديوجرم په کېدوچېل
ته ولاړشي اودبنډموده يې څرگنده نه وي. هو! صوفي په
يوه داسې حالت محکوم وچې بايدحتما"يې تېرکړي،
موسمونه يوپه بل رابرسېره کيدل اوطبيعت خپلې جامې
بدلولي،نژدې ووچې په نسواري چادري کې دنجلی پيچلی
تصويرچې دده په ذهن، خيال اوحواسويي حکومت کاوه
دی د رسوايي تربريده ورسوي اودهرې نسواري چادري
په خاوندي پسې ترهغولاړشي ترڅو ورته څرگنده شي
چې هغه ده اوکله ؟ چې يوه ورځ يې په ناڅاپي ډول هغه
مخې ته ودريده ، صوفي دومره حيران شوچې نه پوهيدو
څه وکړي؟ يوځلې يې دزړه په هرگوت کې داميدشمعې
بلي شوي په وارخطايي دځايه پاڅيده نه پوهيده څه ووايي،
چې نجلی وپوښتل د دوولسم ټولگي پښتولري؟

کله ددغه برید ونو لمبی تر بنار هم رارسیدی اودیوی لوی جگړې گواښ یې دخان سره راوړي، کاروبار په تپه دریدلي وو او دخلکود تر هیدولو خبر وڅخه داڅرگندیدله چې ټول یوه لوري ته دتللو لاري لتوي دخپل وطن او ښاره ووزی نژدې گاونډي هیوادته دتللو په اراده یې دریگستان په تب جنوریگوي قدم کیښود او په لږ وخت کې یې پلونه د کراچي تر صدر بازار پورې اوږده شوچې خان ته یې پام کېدې نو دلوي سرک په غاړه په ارت پل لاري باندې د ډبرونه دجوړوشویو زینتي شیانو دلوي دکان مخ ته ناست وو او مخ ته یې چيني، ناشکن، لوبني، فرانسوي کرسټل مېوه دانې اوزینتي شیان پراته و. دصدر دلوي بازار په دواړو غاړو کې د ډول ډول سامانو نو لوي دوکانونه غزیدلي وو چې څابنت مهال به خلاصېدل اوناوخته ماښام پورې به په بازار کې داسې گڼه گڼه وه چې تابه ویل اوس دورځي پیل دی. ډول ډول رڼاگانوبه د صوفي سترگي بریښولي او ډښاري بسونوڅوړونکوهار نونوبه یې هر وخت احساس خور او ه. کله چې دښکلو ډبرونه دجوړشووزینتي شیانورانیوونکي غټ دوکان ته څوک راتله چې اکثره به یې ښځې وې نو په ستندیدو کې به دده لو ښوته هم دریدلي، یوڅوک به داسې هم راپیدا شوه چې دده نه به یې هم څه په بیه واخیستل.

صوفي دبی وطنی او پردیسی په غمونو کې اوس هم دنجلۍ ږغ له یادنه، نه ووايستلي کله چې به په ایښودلو او اوډولو کې دده دلونو کړنگ پورته شونودده په غوړونو کې به نجلۍ ږغ د خپل ټول توان سره راژوندې شو او وجود به یې تبجنه څپه راغله. هغه اوس هم منتظر ووڅو نه پوهیده چې څه ته؟ په بریره اوسر کې یې سپین لگیدلي روپه څېرې یې دروزگار دسر او تودو دورې پرپوتې وې په وجود کې کمزوري حسوله خوزره یې په هم هغه حال پاتې وودنجلۍ ږغ په مینه به یې کله په لوي لاس دفرانسوي کرسټل نه کړنگ پورته کړ چې دنجلۍ خیالونوته ورستون شي چې احساس اوبدن یې میړی میړی شي چې په وجود یې تبجنه څپه راشي او چې به دکتابونو په لرگین صندوق دکندهار دهرات بازار دپل لاري گڼه گڼه

دکستونوسندرې اودښوونځي اولپسود نجونولې ورپه زړه شي. یوه ورځ څه عجیبه پېښه وشوه دماز دیگری لمر وروستيو وړانگودکراچي داوچتو بلډینگونو هسکې څوکی ښکلولي دهوا دتودوڅي له کبله به په دغه وخت کې دورځي دنورووختونوپه پرتله گڼه گڼه زیاتیدله. خلک دخپلوکور نو څخه راوتل دلویو او اوړو موټرونو تگ راتگ په بازار کې ډول ډول ږغونه خپرول دنمنجني هوا سر وڅپودسینددغم رنگواو نری نجونوداوړو دووینبتانوسره لوبې کولې، په لویو دوکانو نوکې سپین اورنگین څراغونه یوپه بل پسې لگیدل اودکراچي درنگین ماښام شیبوته یې په پل لاروباندې رنگین رنگین انځورونه جوړول چې صوفي ناڅاپه احساس کړه لکه څوک چې دده په شاوخوا کې وي. یوه پیژانده چې دې ورسره د احساس په لارو کې تړلې مزی لري. اوبیا یواشنان ږغ چې دده وجود یې د تبجنې څپې په تودو کې داسې خوله خوله کړ چې په خان کې کمیږي ورته لوندڅښت کړ. هغه په چټکي دزینتي شیانو دوکان ته مخ ورواړ او ه یوه ښځه په تورعربي حجاب کې ولیده چې ماشوم تر لاس نیولې ولاړه ده، مخ یې ټول دحجاب په ټکري کې نغښتې وو، یوازې یې دوی سترگي چې دټیکري د توروالي سره سیالي کولې څرگندیدلي. صوفي په ډېر اضطراب څو ځله وروکتل، ویې پیژانده، زړه یې غوښته چې ورولاړ شي، سلام علیک ورسره وکړي، دحال احوال پوښتنه یې وکړي، په خبرو خبرو کې هغه وختونه ورپه یاد کړي. قندهار، دهرات بازار، دده کتابونه، نوراو نور..... چې کتل یې هغه راستنه او ترده تېره شوي وه دپل لاري څېنې داوښتلو په وخت کوچني زوي ته یې ویل پام کوه زویه چې په واله کې ونه لویږي.

صوفي دپلې ورځي نه داحساس په نړۍ کې یو نوې سفر پیل کړ په تور حجاب کې نغښتې ښځه، توري غټي سترگي، وریشمین ږغ..... او انتظار..... کابل، دارلامان واټ.

خلکو د استفادي لپاره، يوه دانه په پنځوس افغانی خرڅلاو ته وړاندې شوه. (۹)

په دې توگه د کابل راډيو خپرونو دوام پيدا کړ. سره له دې چې پرمختيايي پلانونه زيات وو، خو د بېلابېلو عواملو له مخې په افغانستان کې په بېرته (په تېره بيا په ولاياتو کې) راډيويي خپرونو پرمختگ ونه کړ. د ۱۳۳۰ل کال په افغانستان کالنی کې په دغه ارتباط ليکل شوي دي:

((راډيو کابل تل غوښتي دي چې د خپلو خپرونو پراختيا ته پاملرنه وکړي، خو د هغو تخنيکي معاذيرو له مخې چې د دوهم نړيوال جنگ له امله راپيدا شوي وو، ددې اجازه يې نه ورکوله چې راډيو کابل په خپل دغه مرام کې څه بری ترلاسه کړي. په تېر کال کې ورو ورو غه نيمگړتياوې يو څه له منځه ولاړې. د تېر کال د عقرب په مياشت کې د سهار له خوا يو ساعت خپروني زياتي شوي او د قوس په مياشت کې د غرمې له خوا يو ساعته خپروني پيل شول.)) (۱۰)

په ۱۳۳۰ل کال کې د راډيو د لنډو څپو يوه دستگاه هم خريداري شوه. د بهرنيو خپرونو په سلسله کې د انگليسي ژبې خپروني هم د ۱۳۳۰ل د جوزا په مياشت کې پيل شوي او دغه راز په بلوچي ژبه هم په دغه وخت کې يوه خپرونه رامنځته شوه. د اردو ژبې پروگرام او د پښتونستان پروگرام هم د ۱۳۲۹ل په لومړيو کې پيل شوي و. په ۱۳۲۹ل کال کې دغه دوه پروگرامه يوه شپه تر منځ خپرېدل، خو د ۱۳۳۰ل کال د جوزا له مياشتې څخه يې هره شپه خپرېدل پيل شول. (۱۱)

په ۱۳۳۷ل کال کې د لنډو څپو يوه لس کيلو واټه دستگاه خريداري شوه. (۱۲). او په ۱۳۳۸ل کال کې د لنډو څپو



عبدالغفور خان (دستا)

سرور گویا اعتمادي ددغه کلب د مدير په حيث په کار پيل وکړ. ددغه مقصد د پاره مختلف کميسيونونه وټاکل شول او د مختلفو ژبو: پښتو، دري، اردو، انگليسي او فرانسوي نطقانو د روزني او د پروگرام د محتوياتو ترتيبات ونيول شول.)) (۷)

د راډيو خپرونو له پيل سره د (۱۳۲۰ل کال د حمل له لومړۍ نېټې څخه) د کابل راډيو د منظمو خپرونو د معرفي لپاره د (پښتون ژغ) د مجلې خپرېدل پيل شول. (۸)

په همدغه وخت کې د راډيو تخنيکي مسوول انجنير عطاء الله خان د کابل راډيو د پيل باغ عمومي د سټډيوگانو د تحويلخانو سامان او لوازم نندارې ته وړاندې کړل. د هغه وخت د مطبوعاتو مامورينو دغه نندارتون ليدلی و. په دغه نندارتون کې لوی امپليفايرونه، بټری لرونکي ريسپورونه، مايکروفونونه، لوی لودسپيکرونه او نور چې ټول د امان الله خان په وخت کې وارد شوي وو، يو شمېر کريستل گوشکي راډيوگانې چې د امان الله خان په وخت کې واردې شوې وې او لا په تحويلخانو کې موجودې وې، د دولت په امر د

د راډيو تاريخچه ...

ځمکه کې جوړه شوې ده. دا سټډيو ډېرې ودانۍ لري چې هره ودانۍ د يوې وظيفې د پاره بېله شوې ده. يوازې د پروگرام د اجرا د پاره دوه اطاقونه لري چې يو لوی تالار يې د ډرامو باندو کنسرت دی او دا بل اطاق يې لږ څه کوچنی دی او د ويناوو او سپکو موزيکو د پاره بيل شوی دی. دريمه ودانۍ يې د کنټرول کوچنی کوټه ده چې آواز ته گوري او د لوړوونکو ماشينو تر دوران وروسته د کيبل په مرسته مرکزي سټيشن ته ځي... د راډيو کلوب، چې د عصري ودانيو په نوي شکل ودانۍ ده، هم په حضورې چمن کې دی، چې دوه پوره، يوه صحنه (غولۍ)، يو د موزيک سټډيو لري... د مرکز او اطرافو ټوله د ودانۍ مصارف تراوسه يو مليون افغانۍ ته رسېږي چې د دستگاه د رانيولو د قيمت سره دوه مليونه او ۶۶۵ زره افغانۍ شي... لکه چې د پست تيلگراف وزارت يو پلان جوړ کړی دی کال په کال به ددغو دستگاوي رانيول شي او د نقشي سره سم به د مملکت په نورو برخو کې ودرولی شي او که خدای کول په پنځه کاله کې به هره علاقه داري کې يوه يوه محلي راډيو وي...)) (۵)

په دغه وخت کې راډيو د ورځې څلور نيم ساعته خپروني لرلې. درې نيم ساعته د شپې له خوا او يو ساعت د سهار له خوا. (۶). البته د پاملرنې وړ ده چې د راډيو د کلوب د پاره د راډيو دستگاه له فعالېدو ډېر مخکې هلې ځلې پيل شوې وې. لکه چې په (مطبوعاتو ته يوه کتنه) نومې اثر کې لولو:

((د خپرونو د دستگاه تر نصبولو د مخه د راډيو کلب په ۱۳۱۳ل کال کې پرانيستل شو. د پروگرامونو د تنظيم لپاره يې عالمان او ليکوال راوبلل او



شهره هان کوهان

پنخوس کیلو واته دستگاه فعاله شوه. (۱۳)

دا کار د هېواد د لومړني پنځه کلن پرمختيايي پلان پر بنسټ ترسره شوه. (۱۴)

په ۱۳۳۸ل کال کي د کابل راډيو د بهرنيو خپرونو اداره د لوی مدیریت سطحی ته لوړه شوه. د پروگرامونو په وخت کي هم زیاتوالی راغی. په دغه وخت کي د بهر لپاره په انگلیسي، فرانسوي، عربي او اردو ژبو خپروني کېدلې. (۱۵)

په ۱۳۳۹ل او ۱۳۴۰ل کلونو کي د راډيو د غړتۍ په خپرونه کي نیم ساعت نور زیاتوالی راغی او د کابل راډيو خپروني په دغو کلونو کي په ۲۴ ساعتونو کي دولس نیمو ساعتونو ته لوړې شوې. (۱۶)

طرزی، محمد صدیق، تاریخ استعمال آلات صنعتی و تخنیکي و مدنی در افغانستان، کابل، ۱۳۵۳ ش، (۶۰-۶۱)م.م. (قلمی اثر) له محترم لیکوال او محقق دوست حبیب الله رفیع څخه په مننه.

د افغانستان کالنی _ ۱۳۴۶-۴۷ (په

گڼه کي د دوه راډیويي دستگاؤو د اخیستلو نېټه ۱۳۰۴ل لیکل شوي ده، او دغه راز په کابل کي د لومړنی راډیويي دستگاه د فعالېدلو نېټه په همدغه کالنی کي ۱۳۰۷ل کښل شوي ده.

وگورئ: د افغانستان کالنی، ۱۳۴۶-۴۷. د اطلاعاتو او کلتور وزارت د تبلیغاتو لوی مدیریت. (۱۴۳)م. د راډيو افغانستان په نوم لیکنه. د ښاغلي صباح الدین کشککي په قلم.

۳طرزی، محمد صدیق، هماغه اثر، (۶۱)م.

۴د افغانستان کالنی، (۱۳۴۶-۴۷) یاده شوي لیکنه. (۱۴۳)م.

۵طرزی، یاد شوی اثر، (۶۱)م.

۶د افغانستان یاده شوي کالنی، (۱۴۳)م. ۷روحی، روح الله، سوابق تیاتر، سینما و راډيو در افغانستان، (مرکه)، آیینة افغانستان (مجله) سال اول، شماره ۱۲، قوس- جدی ۱۳۶۹ش، (امریکا) (۱۲۷)م.

۸سلجوقی، صلاح الدین، د راډیويي نشراتو د پرانیستلو وینا، د کابل کالنی، کابل، پښتو ټولنه، ۱۳۲۰ل، (۲۸۸)م.

۹د زیات تفصیل لپاره وگورئ:

سالنامه کابل، ۱۳۱۸ل، از نشرات

مدیریت صحافت پښتو ټولنه، به اهتمام

محمد قدیر تره کي. (۱۲۶-۱۲۷)م.م.

البته ماته په دغه رابطه د هېواد د

پیاوړي شاعر، لیکوال او د مطبوعاتو

او راډيو تجربه لرونکي ژورنالست

استاد یوسف آئینه وویل: (کله چي د

راډيو د پروژي د فعالېدو هڅي پیل

شوي، نو ځيني مطبوعاتیان به د چمن په

قهوه خانه کي چي (د راډيو کلوپ) په

نوم يي ونومولو، راغونډېدل او په

بېلابېلو کمیسیونونو کي به يي کار کاوه.

يو مازیگر سردار محمد نعیم خان

راغی، نوموړی دغه وخت د پوهني

وزیر او د مطبوعاتو د مستقل ریاست سرپرست و. دی ډېر په غوصه و او (د راډيو کلوپ) له کارونو څخه يي نارضايتي څرگنده کړه. مرحوم کهزاد خاطر جمعي ورکړه چي کارونه ښه روان دي، خو په سبا يي نوی تشکیل رامعرفي کړ. داسي چي ښاغلی محمد عثمان صديقي يي د راډيو مدير ټاکلی و چي مستقیماً به د خپرونو په عمومي مدیریت پوري مربوط وي. د نشراتو عمومي مدير هغه وخت ښاغلی سيد قاسم رښتیا و. غلام عمر شاکر دري نطاق، یوسف آئینه مسلکي غړی او د پښتون ږغ مهتمم و. ښاغلی نجف علي نباتي د راډيو مرستیال ټاکل شوی و. هر مازیگر به د راډيو په کلوپ کي د راډيو د خپرونو په باب مقدماتي غونډې کېدې، چي د هېواد یو شمېر مشهورو مطبوعاتیانو به برخه پکي درلوده.

(د استاد یوسف آئینه یادداشت، له هغه څخه په مننه)

۱۰سلجوقی، صلاح الدین، یاده شوي لومړنی وینا، (۲۸۸)م.

۱۱سردار محمد نعیم خان، د راډيو

لومړنی افتتاحیه وینا. د کابل کالنی

۱۳۲۰ل، (۲۸۶-۲۸۷)م.

۱۲سلجوقی، صلاح الدین، هماغه وینا،

(۲۸۷-۲۹۰)م.

۱۳د کابل کالنی، ۱۳۲۰ل، (۱۰۷)م.

آهنگ، محمد کاظم او صدیق، ډاکټر

محمد ظاهر، مطبوعاتو ته یوه کتنه،

کابل، ۱۳۵۱ل. (۱۰-۱۱)م.

۱۵همدغه اثر، (۱۴)م.

۲۱۶روحی، روح الله، په آیینة

افغانستان کي یاده شوي مرکه،

(۱۲۷)م.

فهرست مطالب

دو شنبه	یک شنبه	شنبه	وقت
پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی	۶/۰۰
اخبار	اخبار	اخبار	۷/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۷/۱۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۸/۰۰
ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	۸/۱۰
اخبار	اخبار	اخبار	۹/۰۰
اینده سازان	میله	بیاموزیم - دانش	۹/۱۰
زراعت - پونیس	اردوی ملی	اه واد	۹/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۰/۰۰
مباحثه	سخن و اندیشه	بحث هفته	۱۰/۱۰
جهان ما	دستاورد	بحث هفته	۱۰/۳۰
پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	پشته نی و ترکمنی	۱۱/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۱۱/۴۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۲/۰۰
کورنی ژوند	جسجوی حقایق	تندرستی	۱۲/۱۰
پرسشهای دینی	والعصر	درر هگذر نور	۱۲/۳۰
نورستانی	نورستانی	نورستانی	۱/۰۰
مجله تلویزیونی	هفت کلک	رنگین کمان	۱/۲۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۲/۰۰
هوانوا	مردم و موسیقی	ساعتی با شما	۲/۱۰
بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	۳/۰۰
کارتون	کارتون	کارتون	۳/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۴/۰۰
کودک	کلکین	اینده سازان	۴/۱۰
شهر ما خانه ما	جوانان	جهان ما	۴/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۵/۰۰
قضا	پرسشهای دینی	والعصر	۵/۱۰
د دروازه ترشا	پرسشهای دینی	دستاورد	۵/۳۰
صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا	۶/۰۰
سریال	نیمه دیگر	زویرو یا مردم	۷/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۷/۳۰
اخبار	اخبار	اخبار	۸/۰۰
انعکاس	آئینه شهر - نگاه	کاروان حله	۸/۱۰
هفت شهر هنر - لحظه ها	فرهنگ مردم کتاب	مجله - مشعلداران	۹/۰۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۹/۳۰
نقد و نظر	مباحثه	سخن و اندیشه	۱۰/۰۰
ورزش جهان	سریال عشق پیری	پرطاووس	۱۱/۰۰
زمرمه ها	زمرمه ها	غزل	۱۱/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۱۲/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۱/۰۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۲/۰۰
آئینه شهر	مباحثه	ساعتی با شما	۲/۱۰
فرهنگ مردم	کاروان حله	ساعتی با شما	۲/۳۰
نیمه دیگر	سخن و اندیشه	پرسشهای طبی	۳/۰۰
مردم و موسیقی	مجله	کنسرت	۳/۳۰
مردن موسیقی	گزارش	کنسرت	۴/۰۰
پرسشهای دینی	والعصر	ر هگذر نور	۴/۳۰
جوانان	دستاورد	کورنی ژوند	۵/۰۰
کلکین	اینده سازان	کلکین	۵/۳۰

تلفیزيون ملكي افغانستان

وقت	سه شنبه	چهار شنبه	پنجشنبه	جمعه
۶/۰۰	پروگرام دیني	پروگرام دیني	پروگرام دیني	پروگرام دیني
۷/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۷/۱۰	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
۸/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۸/۱۰	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر
۹/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۹/۱۰	کلکین	کودک	نونهالان	فلم اطفال
۹/۳۰	جوانان	شهرما خانه ما	بسوی خوشبختی	فلم اطفال
۱۰/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۱۰/۱۰	آینه شهر - نگاه	نودی شبی	اقتصاد	پرطاوس
۱۰/۳۰	کاروان حله	جهان حیوانات	زر غونی مینه ساعتی باشما	پرطاوس
۱۱/۰۰	پشته نی وترکمنی	پشته نی وترکمنی	پشته نی وترکمنی	پشته نی و ترکمنی
۱۱/۴۰	گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
۱۲/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۱۲/۱۰	سریال	انعکاس	نیمه دیگر	شما وتلوویزون
۱۲/۳۰	قضا	پرسشهای دینی	درسهای از قران	سیرت النبی (ص)
۱/۰۰	نورستانی	نورستانی	نورستانی	نورستانی
۱/۲۰	نقد و نظر	هفت شهر هنر	چشم انداز	پرسشهای دینی
۲/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۲/۱۰	پرسشهای طبی	موسیقی ذوقی	مردم وموسیقی	هوا نوا
۳/۰۰	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی	بلوچی و ازبکی
۳/۴۰	کارتون	کارتون	کارتون	کارتون
۴/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۴/۱۰	نونهالان	دانش برای همه - پیاموزیم	هر جا هر رنگ	میله
۴/۳۰	جهان حیوانات - راپور علمی	زراعت - جهان ما	آه وا	کورنی ژوند
۵/۰۰	خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
۵/۱۰	پرسشهای دینی	درسهای از قران	سیرت النبی (ص)	در رهگذر نور
۵/۳۰	پرسشهای دینی	ویکت	ورزش	اردوی ملی
۶/۰۰	صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا	پرسشهای طبی و سریال
۷/۰۰	بسوی خوشبختی	شما وتلوویزون	تندرستی	وقایع مهم هفته
۷/۳۰	گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
۸/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۹/۰۰	اقتصاد	زر غونی مینه سینما و کارتون	جسجوی حقایق	اخبار
۹/۳۰	چشم انداز	رنگین کمان	هفت کلک - مرچ سرخ	اخبار
۱۰/۰۰	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
۱۰/۱۰	نودی شبی	صور خیال	فلم هنری	بحث هفته - ساعتی باشما
۱۱/۰۰	سریال خارجی	بزم غزل	فلم هنری	کنسرت
۱۱/۴۰	مردم وموسیقی	بزم غزل	فلم هنری	کنسرت
۱۲/۰۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۱/۰۰	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
۲/۰۰	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
۲/۱۰	انعکاس	اقتصاد	شما وتلوویزون	بحث هفته
۲/۳۰	هفت شهر هنر	چشم انداز	رنگین کمان	هفت کلک
۳/۰۰	سریال	نقد و نظر	زر غونی مینه	تندرستی
۳/۳۰	شهرما خانه ما	بسوی خوشبختی	موسیقی ذوقی	مردم وموسیقی
۴/۰۰	نودی شبی	گزارش	موسیقی ذوقی	مردم وموسیقی
۴/۳۰	قضا	پرسشهای دینی	سیرت النبی (ص)	درسهای از قران
۵/۰۰	ورزش هفته	پرسشهای دینی	دانش برای همه	قوالی
۵/۳۰	کودک	نونهالان	سنتپیل سبز	پیاموزیم



خبری گزارشونه...

Salient Feature Lead

که دیوی پېښې یوه برخه تر بلی ډېره مهمه وي، نو هغه مهال بیا پیلامه په دوه برخو وېشل کېږي. ۱- دروېښانه رول پیلامه. ۲- دوهمه پیلامه (په دې کې تر یوه ډېر پارگرافونه هم وي) (۷) بېلگه: ولسمشر کرزي د امن جرگه د پاکستان او افغانستان دواړو هېوادونو په گټه وبلله او د امن د دوهمې جرگې د جوړولو ټینګار یې وکړ. ولسمشر کرزي وویل افغان سرتېري له دښمن سره د جگړې کولو پوره وړتیا لري. نوموړي وویل که وسله وال مخالفین جوړجاړي ته غاړه کېنږدي، نو دوی به یې د جنگ له لارې رېښې وپاسي. ولسمشر کرزي د بهرنیو هېوادونو د ډیپلوماتانو غونډې ته د وینا پرمهال وویل روسیه باید افغانستان ته د تېرې جگړې پر مهال د اوبستي زیان تاوان ورکړي.

د پیلامو ډولونه:

پیلامې یا Leads گڼې بڼې او ډولونه لري لکه:

Question Lead: پوښتونکې پیلامه دا ډول پیلامه عموماً لکه له نوم څخه یې چې څرگندېږي په یوې پوښتنې پیل کېږي. لکه:

د ولسي خلکو د وژني لړۍ به تر څو روانه وي؟

د نامنیو پره د چا په غاړه ده؟

Background Lead

عموماً دغه ډول پیلامې دیوې پېښې په مخینه یا شالید پیلېږي. لکه: دروغتیا وزیر درې کاله د مخه د روغتونونو د حالت ښه کولو او ناروغانو ته د درملو ورکول د خپلو کاري لومړیتوبونو په توګه یاد کړي وو، خو لا هم ډېری ناروغان د پلازمېنې کابل د روغتونونو له اوسني حالت، د څښاک د اوبو او درملو د نه شتون څخه سرتېکوي. بېلگه: د پوهنې وزیر د مورنۍ ژبې د نړۍ والي ورځې پرمهال د لویې جرگې په خپمه کې ولسي غونډې ته د وینا پرمهال ټولو زده کوونکو ته په مورنۍ ژبو د زده کړو د برابرولو ژمنه کړې وه، خو لا هم په پلازمېنه کابل کې په زرګونو زده کوونکي په مورنۍ ژبه د زده کړو له حق او اسانتیا بې برخې دي.

Quotation Lead

دغه ډول پیلامې عموماً د مهمو کسانو په خبرو او ویناو پیلېږي. لکه: د هند سفارت مخته نننۍ چاودنه د پاکستان د څارګرې ادارې په سلا او لارښوونه شوې ده. اسلام اباد تل په افغانستان کې د امنیت د ګډوډولو هڅه کړي.. ولسمشر کرزي د خبریالانو یوې غونډې ته د وینا پرمهال وویل:

پرتلیزه پیلامه **Contrast Lead**: په دې ډول پیلامه کې د پرتلني له لارې شته توپيرونه په ډاګه کېږي.

بېلگه: پاکستانی ولسمشر پرویز مشرف له یوې خوانړۍ والي ټولني سره د ترهګري پر وړاندې مبارزه کې ځان ژمن کړی او له بل لوري ترهګرو ته په خپله خاوره کې د فعالیت او ژوند کولو اسانتیاوې برابرېوي.

نابیره لید **Offbeat Lead**: دا هغه لید دی چې په نابیره او غیر عادي پېښو لیکل کېږي. لکه: یوې وړې مرغۍ دیوې بوینګ الوتکې الوتنه له خنډ سره مخ کړه. (۸)

بېلگه: پلازمېنه کابل کې د هندوانې چاودنې مرګ ژوبله اړولې ده. د پیلامې له ډولونو وروسته د پیلامې لیکلو لارو چارو ته راځو. د پیلامې لیکل یوه ستونزمنه چاره ده، ځکه د لنډې، روښانه، اړوندې او په زړه پورې پیلامې لیکل د هر خبریال د وس خبره نه ده. د دغه ډول پیلامې لپاره د لیکوال تخلیقي وړتیا، ډېر غور، بیا بیا لیکلو او زیار ګاللو ته اړتیا ده او ډېر لږ خبریالان د ښې پیلامې لیکلو په موخه سختې او کړاو ګالي. همدغه لامل دی چې هر خبریال په ټول تللي او د نورو د خوښې پیلامې نشي لیکلی. ځینې خبریالان پیلامې تر ټاکلي یا هغې اندازې چې څومره ښايي اوږدې لیکي. ځینې بیا د مهمو او ارزښتناکو خبرو پر ځای نا اړونده او دلبر ارزښت لرونکې خبرې په پیلامه کې راوړي. یو شمېر بیا یا ډېره نیمګړې خبره کوي او یا ټوله خبره په پیلامه کې کوي چې دا ټول حالتونه د پیلامې په ښکاره اښکون او زړه پورې والي بد اغېز کوي.



میناتوری نقطه پرداز: فضل الرحیم فضلی

ACKU
مسلسل

HE
8700-9
الف 77
29 آ



نصیر عزیز ستار نواز



منیر عزیز طبله نواز

چاپ: مطابع آزادی